



Munich Personal RePEc Archive

Small economies, transfer of technology and finance in the regulations of the World Trade Organization

Mirjalili, Seyed hossein and Mirdehghan, seyed Abbas and
Dehghan Khavari, Saeed

Institute for Humanities and Cultural Studies, Plan and Budget
organization, Yazd, Meybod University

14 October 2007

Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/125630/>
MPRA Paper No. 125630, posted 06 Aug 2025 19:43 UTC

اقتصادهای کوچک، انتقال فناوری و تأمین مالی در سازمان جهانی تجارت

دکتر سید حسین میرجلیلی*

چکیده

سه موضوع اقتصادی، مالی و فنی یعنی تجارت و اقتصادهای کوچک؛ تجارت و انتقال فناوری؛ و تجارت، بدهی و تأمین مالی از جمله موضوعات مرتبط با تجارت است که هم‌اکنون در نظام تجاری چندجانبه و متون سیاست تجاری بین‌المللی مورد بحث و بررسی است.

اقتصادهای کوچک متقاضی برخورداری از رفتار ویژه در نظام تجاری چندجانبه هستند. معیارهایی مانند جمعیت، درآمد سرانه و سهم در تجارت جهانی برای تشخیص این اقتصادها مطرح شده است. مهمترین ویژگیهای اقتصادهای کوچک که آنها را خصوصاً در شرایط جهانی شدن آسیب‌پذیر ساخته است در این مقاله برشمرده شده و مواضع آنها در مذاکرات کشاورزی و دسترسی به بازار در محصولات غیرکشاورزی برای مقررات مربوط به رفتار ویژه ذکر گردیده است. همچنین، برخی مقررات سازمان جهانی تجارت که به طور بالقوه مربوط به اقتصادهای کوچک است در مقاله ذکر شده است.

هدف بررسی رابطه تجارت و انتقال فناوری آن است که توصیه‌هایی در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت ارائه شود که از طریق تجارت، انتشار فناوری به کشورهای در حال توسعه افزایش یابد. موضوع فناوری و انتقال آن در پنج موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت مطرح شده است که در مقاله ذکر گردیده است.

از سوی دیگر، گسترش تجارت بین‌الملل به وجود یک نظام مالی بین‌المللی با کارکرد مناسب بستگی دارد. عناصر مرتبط با تأمین مالی یعنی نرخ ارز، جریان منابع مالی و موازنه پرداختها در زمینه تأمین مالی تجارت خصوصاً در شرایط بحران مالی ایفای نقش می‌کند. از این گذشته، بدهی خارجی بر توانایی کشورها برای انتفاع از نظام تجاری چندجانبه تأثیر می‌گذارد. از این رو، بهبود دسترسی به بازار مستلزم کاهش بدهی خارجی است. مقررات سازمان جهانی تجارت در زمینه تأمین مالی در هفت زمینه در مقاله ذکر گردیده است.

واژه‌های کلیدی

سازمان جهانی تجارت، اقتصادهای کوچک، انتقال فناوری، بدهی خارجی، تأمین مالی.

* دانشیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی

مقدمه

در ادبیات تجارت بین‌الملل، علاوه بر بررسی نظریه‌ها و سیاستهای تجارت بین‌الملل، به بررسی تعامل تجارت با موضوعات دیگر مانند رابطه تجارت و توسعه یا رابطه تجارت و محیط زیست نیز پرداخته می‌شود. از جمله موضوعات مرتبط با تجارت که هم‌اکنون در نظام تجاری چندجانبه و متون سیاست تجاری بین‌المللی مورد بحث و بررسی است می‌توان به سه موضوع اقتصادی، مالی و فنی یعنی تجارت و اقتصادهای کوچک؛ تجارت و انتقال فناوری؛ و تجارت، بدهی و تأمین مالی اشاره کرد. در مقاله حاضر به تبیین هر یک از این موضوعات بر اساس متون تجارت بین‌الملل و ضوابط نظام تجاری چندجانبه می‌پردازیم. [۱]

۱) اقتصادهای کوچک

تعداد فزاینده‌ای از کشورهای کوچک در حال عضو شدن در سازمان جهانی تجارت هستند. از ۴۵ کشور کوچک در فهرست دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع و بانک جهانی در سال ۲۰۰۰، ۲۷ کشور عضو سازمان جهانی تجارت و ۸ کشور ناظر هستند. با کاهش تعرفه‌ها بر مبنای اصل دولت کامل‌الوداد، ترجیحات تجاری اعطا شده به اقتصادهای کوچک قرار است کاهش یابد که نشانگر یک چالش واقعی برای اقتصادهای کوچک در صورت ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی است. در این زمینه اقتصادهای کوچک اظهار داشته‌اند که در مواجهه با رقابت جهانی، بدون بهره‌مندی از حمایت به زانو درمی‌آیند. بند ۶ اعلامیه وزیران ژنو در اکتبر ۱۹۹۷ در باره اقتصادهای کوچک می‌گوید: «ما عمیقاً نگران حاشیه‌ای شدن کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی^۱ و برخی اقتصادهای کوچک هستیم و بر نیاز فوری به پرداختن به این موضوع تأکید می‌کنیم. در این زمینه، با استقبال از اقدامات اتخاذ شده توسط سازمان جهانی تجارت در همکاری با سایر مؤسسات که در سنگاپور توافق کردیم، بویژه از پیگیری تصمیمات اجلاس منعقد در ژنو حمایت می‌کنیم».

در سال ۱۹۹۸ گروه مشترکی توسط دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع و بانک جهانی درباره دولتهای کوچک تشکیل شد تا به بررسی تقاضای رفتار ویژه بپردازد. گزارش آنها چند نوع حمایت خارجی را مشخص می‌کند که می‌تواند برای کشورهای کوچک به منظور مقابله با چالشهای ادغام در نظام تجاری جهان مفید باشد. این گزارش طرفدار پذیرش رفتار ویژه برای دولتهای کوچک در

1- least-developed countries (LDCs)

سازمان جهانی تجارت است. عبارت آنها چنین است: «ویژگیهای خاص و آسیب‌پذیری بسیاری از دولتهای کوچک باید به عنوان توجیه‌کننده ملاحظه خاص توسط نظام بین‌الملل برای پرداختن به موضوعاتی که برای انتقال اقتصادهای آنها مهم هستند (مانند دوره‌های انتقالی) به رسمیت شناخته شود».

این مسائل باعث شد که در نشست وزیران سازمان جهانی تجارت در دوحه (۲۰۰۱) تصمیم گرفته شود که موضوع رفتار ویژه با اقتصادهای مذکور مورد بررسی قرار گیرد. اقتصادهای کوچکی که در سازمان جهانی تجارت پیگیر این موضوع هستند عبارتند از: ۱- جامائیکا، ۲- باریبادوس، ۳- لسوتو، ۴- موریتانی، ۵- سریلانکا، ۶- ترینیداد و توباگو، ۷- آنتیگوا و باربودا، ۸- جمهوری دومینیک، ۹- جزایر فیجی، ۱۰- گرانادا، ۱۱- هائیتی، ۱۲- مالدیو، ۱۳- پاپوآ گینه‌نو، ۱۴- جزایر سنت لوسیا و وینسنت و گرنادین، ۱۵- جزایر سلیمان، ۱۶- بلیز، ۱۷- بولیوی، ۱۸- گواتمالا، و ۱۹- هندوراس.

۱-۱) معیارهای تشخیص اقتصاد کوچک

اگرچه موضوع اقتصادهای کوچک بیش از چهار دهه است که در ادبیات اقتصادی مطرح شده است، ولی هنوز توافق عمومی درباره مفهوم «اقتصاد کوچک» وجود ندارد. برای مشخص کردن یک اقتصاد کوچک، معیارهای زیر پیشنهاد شده است:

الف) جمعیت: معیار جمعیت به طور گسترده در ادبیات اقتصادی برای مشخص کردن یک اقتصاد کوچک استفاده شده است. دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع و بانک جهانی (۲۰۰۰) پیشنهاد کرده‌اند که ۱/۵ میلیون نفر به عنوان آستانه مبنا قرار گیرد. استریتین (۱۹۹۳)، کولیر و دالر (۱۹۹۹) و براتیگام و وولکوک (۲۰۰۱)، ۵ میلیون نفر یا حتی بیشتر را به عنوان آستانه مطرح کرده‌اند. آرمسترانگ و دیگران (۱۹۹۸) میان این دو رقم را پیشنهاد کرده‌اند. [۲] طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۲، از ۲۰۷ کشور فهرست شده در گزارش شاخصهای توسعه جهانی، ۶۳ کشور کمتر از ۱/۵ میلیون و ۹۷ کشور کمتر یا مساوی ۵ میلیون نفر جمعیت دارند. ۳۶ کشور، دولتهای جزیره‌ای هستند و ۹ کشور محصور در خشکی می‌باشند. مشخصات ۹۷ دولت کوچک با کمتر از پنج میلیون نفر جمعیت در پیوست شماره ۱ نشان داده شده است.

ب) درآمد سرانه: معیار درآمد سرانه نیز برای مشخص کردن کشورهای کوچک مطرح شده

است. از ۴۹ کشور طبقه‌بندی شده توسط سازمان ملل متحد به عنوان کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی در سال ۲۰۰۱، ۱۳ کشور دارای جمعیت زیر ۱/۵ میلیون نفر، ۱۹ کشور دارای جمعیت زیر ۵ میلیون نفر و ۱۱ کشور محصور در خشکی یا کشورهای جزیره‌ای (کوچک یا خیلی کوچک) هستند. اما اگر فهرست کشورهای کوچک پیشنهاد شده توسط دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع و بانک جهانی را در نظر بگیریم، تنها ۷ کشور دارای تولید ناخالص ملی سرانه زیر ۷۶۰ دلار آمریکا (آستانه برای کشور با درآمد پایین) هستند. تنها ۱۴ کشور نیز به عنوان کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی طبقه‌بندی شده‌اند. بنابراین، کشورهای کوچک ضرورتاً کشورهای فقیر نیستند.

پ) سهم در تجارت جهانی: معیار سهم در تجارت جهانی نیز مطرح شده است. اقتصادهای کوچک اقتصادهایی هستند که به رغم درجه بالای باز بودن، سهم بسیار اندکی از تجارت جهانی دارند. بر این اساس، تمام کشورهایی که دارای سهم صادراتی پایین‌تر از سطح معینی هستند، کوچک قلمداد می‌گردند. بدین منظور حد ۰/۰۳ درصد از تجارت جهانی (که قبلاً به عنوان آستانه برای حداقل حق عضویت در سازمان جهانی تجارت تعیین شده بود) پیشنهاد شده است. از یک سوم از ۵۹ عضو سازمان جهانی تجارت با جمعیت کمتر از ۵ میلیون نفر تقاضا شده است که حداقل حق عضویت ۰/۰۱۵ درصد را بپردازند.

باید توجه داشت که هر معیاری که برای تعریف دولتهای کوچک استفاده شود، فهرستی از کشورها تهیه خواهد شد که در برخی جنبه‌ها ناهمگن هستند و می‌تواند مورد انتقاد قرار گیرد. در واقع، به دلیل تنوع قابل ملاحظه دولتهای کوچک، بسختی می‌توان یک جنبه از کوچک بودن اقتصادهای کوچک را یافت که برای متمایز ساختن آنها از اقتصادهای بزرگ، اساسی باشد. به همین جهت، بهتر است اقتصادهای کوچک را بر اساس ویژگیهای آنها مشخص کنیم.

۲-۱) ویژگیهای اقتصادهای کوچک

ویژگیهای اقتصادهای کوچک دست کم از دهه ۱۹۶۰ هم در محافل دانشگاهی و هم در سایر مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، بانک جهانی، آنکتاد، فائو و دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع بررسی شده است. اجماع عمومی در این مطالعات آن بوده است که اقتصادهای کوچک به طور خاصی آسیب‌پذیر هستند. اقتصادهای کوچک، کلیه یا اکثر ویژگیهای زیر را دارند

که آنها را آسیب‌پذیر می‌سازد:

الف) تجارت اقتصادهای کوچک در نظام تجاری چندجانبه سهم اندکی دارد.
 ب) بسیاری از اقتصادهای کوچک، جزایر کوچک یا کشورهای محصور در خشکی هستند.
 پ) جمعیت اندک اقتصادهای کوچک محدودیتهای شدیدی بر ظرفیت آنها برای تولید منابع انسانی کیفی تحمیل می‌کند، محدودیتهای منابع انسانی، نهادی و اجرایی (مدیریتی) که اثر زیانباری بر کارایی و ظرفیت‌سازی در سراسر اقتصاد دارد.

ت) دسترسی آنها به زمینهای قابل بهره‌برداری از نظر اقتصادی محدود است.

ث) پایه محدود منابع منجر به اتکای بالا به واردات و صادرات و تمرکز صادرات بر چند قلم محصولات صادراتی (بویژه کالاهای اولیه) و وابستگی به یک یا دو بازار صادراتی می‌شود. وابستگی شدید به چند محصول صادراتی و خدماتی و چند بازار بدین معناست که کشورهای در حال توسعه کوچک به طور سنتی بی‌ثباتی اقتصادی را تجربه کرده‌اند.

ج) شیوع بلایای طبیعی که تأثیر آن بر یک اقتصاد کوچک غالباً مخربتر از اثر آن در یک اقتصاد بزرگ است. در حالی که تمام اقتصادها در مقابل ضربه‌های برونزا آسیب‌پذیر هستند، اقتصادهای در حال توسعه کوچک دارای درجه کمتری از انعطاف‌پذیری در مقایسه با اقتصادهای بزرگ هستند. تمام شاخصهای آسیب‌پذیری، رابطه میان آسیب‌پذیری و اندازه را نشان می‌دهند. کوچکترین اقتصادها، آسیب‌پذیرترین اقتصادها هستند. بلایای طبیعی به کشورهای بزرگ و کوچک ضربه می‌زند، اما این تأثیر بر حسب هزینه‌های سرانه خسارت توفانهای شدید و زلزله‌های مخرب در کشورهای کوچکتر، شدیدتر است.

چ) در بسیاری موارد، با انزوای فیزیکی، پراکندگی جغرافیایی و دوری از بازارهای اصلی مواجهند.

ح) وجود بازارهای کوچک و برخی اوقات پراکنده که منجر به ساختار بازاری می‌شود که در آن یک یا چند بنگاه بر بازار داخلی تسلط دارند. بازارهای کوچک، کاملاً ناقص هستند و به ناکارایی و هزینه واحد بالاتر تدارکات و زیرساخت منجر می‌شوند. بازارهای داخلی کوچک و محدودیتهای منابع نیز جذب سرمایه‌گذاری را خیلی مشکل می‌کند. بنگاهها در اقتصادهای کوچک، بر حسب استانداردهای جهانی، بنگاههای خرد هستند. در نتیجه، آنها در عدم مزیت عمده هستند، هزینه‌های بالاتری دارند و نمی‌توانند به صرفه‌های مقیاس دست یابند و نسبتاً

ناکارا می‌باشند. بنگاههای داخلی کوچک، تابع قیمتهای دیگران هستند و هیچ تأثیری بر قیمتهای جهانی ندارند. آنها هزینه‌های حمل و نقل بالایی دارند.

بازارهای داخلی کشورهای کوچک به دلیل اندازه محدودشان نمی‌توانند از استقرار صنایع در مقیاس بزرگ یا تولید کالاهای منوط به صرفه‌های مقیاس در قیمتهای رقابتی حمایت کنند. موجودی منابع طبیعی و عرضه نیروی کار نیز در اغلب موارد محدود است و به همین دلیل دامنه محصولات تولیدشده در کشورهای کوچک غالباً محدود است یا محصولات به طور رقابتی قیمت‌گذاری نمی‌شوند. از این رو، دولتهای کوچک غالباً به واردات و صادرات و در نتیجه به شرایط بازار خارجی شدیداً وابسته‌اند. نسبتهای تجارت به تولید ناخالص داخلی در کشورهای کوچک معمولاً بسیار بزرگتر از متوسط است و صادرات عموماً متکی به تعداد محدودی از کالاها و خدمات است و در بازارهای اندکی از کشورها متمرکز شده است. این شرایط می‌تواند با بی‌ثباتی بالای اقتصادی همراه باشد. گزارش دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع و بانک جهانی (۲۰۰۰) نشان داد که نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای کوچک بالای ۱۱۰ درصد و برای کشورهای حوزه کارائیب و آمریکای لاتین ۱۲۰ درصد است، حال آن‌که این نسبت در تمام کشورهای با درآمد پایین ۳۸ درصد و در تمام کشورهای با درآمد متوسط ۴۵ درصد می‌باشد. علاوه بر این، در کشورهای کوچک، صادرات بر تعداد محدودی از کالاها و خدمات متمرکز شده است. برای مثال، در جزایر میکرونزی ماهی ۴۰ درصد، در کریباتی نارگیل ۳۴ درصد و در پاپوآ گینه نو طلا ۲۸ درصد از کل صادرات آنها را تشکیل می‌دهد. دولتهای جزیره‌ای کوچک نیز چنین وضعی دارند. بیش از سه چهارم ۴۶ دولت جزیره‌ای کوچک یا صادرکننده خدمات (گردشگری و خدمات سرمایه‌گذاری ساحلی) یا وابسته به عواید خارجی (کمک، وجوه ارسالی^۱)، درآمد صندوقهای امانی و غیره) می‌باشند. اغلب اقتصادهای کوچک فاقد حداقل اندازه بازار هستند. بازارهای داخلی خیلی کوچک، صرفه‌های مقیاس را بشدت محدود ساخته و مانع از آن می‌شوند که از بازار داخلی به عنوان پایه برای توسعه صادرات استفاده شود.

(خ) ناتوانی در حمایت از انواع تولیدات و اتکای شدید به تجارت خارجی.

(د) انعطاف‌ناپذیری ذاتی اقتصادهای آسیب‌پذیر کوچک، فرایند تعدیل را بسیار مشکل و

پرهزینه می‌کند.

(ذ) اقتصادهای کوچک بشدت به تجارت وابسته‌اند. [۳]

ر) اقتصادهای کوچک در سطح بین‌المللی رقابتی نیستند و در مقابل شوکها یا ضربه‌های اقتصادی آسیب‌پذیر می‌باشند.

ز) در بسیاری از کشورهای جزیره‌ای، مدیریت خدمات عمومی وضعیت خوبی ندارد و تأمین بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی گران است. به دلیل فقدان منابع، کشورهای کوچک غالباً باید متکی به آموزش خارج از کشور برای آموزش پیشرفته‌تر یا آموزش متخصصان باشند، در عین حال که این خطر وجود دارد که افراد آموزش دیده به کشورشان برنگردند.

ژ) اقتصادهای کوچک نمی‌توانند از صرفه‌های مقیاس در تولید و توزیع بهره‌مند شوند. دلیل آن، هزینه‌های بالای هر واحد و درجه پایین رقابت است که این هم بدان جهت است که به دلیل اندازه محدود این کشورها، بازار داخلی نمی‌تواند از تعداد زیاد بنگاههای تولیدی در همان بخش حمایت کند. در نتیجه، انتظار می‌رود که اقتصادهای کوچک هم در کالاهای واسطه‌ای و هم در کالاهای نهایی قیمتهای بالاتری داشته باشند. به هر حال، همان‌طور که سرنی واسان (۱۹۸۶) ذکر کرده است، جمعیت ضرورتاً معیار خوبی در مورد اندازه بازار نیست و حتی کشورهای بزرگ ممکن است دارای بازار داخلی محدودی باشند. ویژگی تحقیق و توسعه، بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس بزرگ است و در نتیجه کوچک بودن پیامدهایی برای توسعه فناوری محلی دربردارد. بنابراین، دولتهای کوچک باید متکی به فناوریهای تولیدشده در خارج باشند.

س) تفاوت ساختارهای اقتصادی میان دولتهای کوچک و بزرگ دارای پیامدهایی برای نظام مالیاتی است. در حالی که درآمد مالیاتی در کشورهای بزرگ از انواع فعالیتها به دست می‌آید، در کشورهای کوچک بیش از ۸۰ درصد درآمد مالیاتی از تجارت بین‌الملل به دست می‌آید. در چند کشور کوچک حتی مالیات بر درآمد افراد، شرکتها و ثروت وجود ندارد. بدین ترتیب، تفاوت در اندازه، تعیین‌کننده تفاوت ساختار اقتصادی و سازمان اجرایی و اجتماعی است و این نیز دارای پیامدهایی برای ساختار مالی است.

ش) در دولتهای کوچک (یعنی کشورهای با جمعیت کمتر از ۱ میلیون نفر)، بیش از فقدان تنوع صادرات، نسبتهای بالای تجارت به تولید ناخالص داخلی علت بی‌ثباتی رشد است. بی‌ثباتی در قیمتهای صادرات و واردات دارای اثر زیادی بر اقتصادهای باز کوچک است. بنابراین، حتی تغییرات کوچک در قیمت بین‌المللی کالاها و خدمات می‌تواند دارای تأثیر زیادی بر اقتصاد داخلی این کشورها باشد. علاوه بر این، اثرات منفی که در وابستگی شدید به تجارت

بین‌المللی به طور ضمنی وجود دارد و همچنین اندازه محدود بازار داخلی مانع اجرای سیاستهای جایگزینی واردات می‌شود و توانایی کشور برای متنوع‌سازی صادراتش را کاهش می‌دهد. با توجه به حجم تجارت آنها در مقایسه با اندازه بازار جهانی، دولت‌های کوچک کنترلی بر قیمت محصولات صادراتی خود ندارند و به همین دلیل همان طور که در متون تجارت بین‌الملل نشان داده شده است، اقتصادهای کوچک نمی‌توانند بر رابطه مبادله خود تأثیر بگذارند.

ص) کشورهای کوچک را سرمایه‌گذاران خارجی غالباً کشورهای پر مخاطره تلقی می‌کنند، بویژه آن کشورهایی را که با ضربه‌های طبیعی مکرر و شدید مواجه هستند. چنین کشورهایی امکان محدودی برای استقرار در سطح بین‌المللی دارند. کمک رسمی می‌تواند نقش مهمی در اطمینان دادن به بخش خصوصی ایفا کند و دارای اثر درون‌رانی یا تشویقی^۱ بر سرمایه‌گذاریهای خصوصی است. جدای از ریسک و مخاطره بالا، دلایل دیگری وجود دارد که مانع می‌شود وام‌دهندگان خصوصی پولشان را در کشورهای کوچک سرمایه‌گذاری کنند. در این کشورها، هزینه‌های جمع‌آوری اطلاعات درباره ظرفیت بازپرداخت وام زیاد است، بویژه اگر مبلغ وام زیاد نباشد. این موضوع در مورد هزینه اجرای قراردادها نیز صدق می‌کند، زیرا به دلیل وجود نظامهای مدیریتی و حقوقی مختلف، هزینه‌ها می‌تواند در نهایت خیلی بالا باشد.

ض) هزینه حمل و نقل برای جزایر دورافتاده یا کشورهای محصور در خشکی به ازای هر واحد کالای تجاری نسبت به سایر کشورها بالاتر است. به عنوان مثال، در مورد جزایر دورافتاده، تنها حمل و نقل هوایی یا دریایی می‌تواند استفاده شود که برای محموله‌های در حجم پایین معمولاً پرهزینه‌تر از حمل و نقل زمینی است. افزون بر این، محموله‌ها کوچک هستند و در نتیجه هزینه هر واحد کالای مبادله‌شده افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، جزایر دورافتاده یا کشورهای محصور در خشکی غالباً از مسیرهای حمل اصلی دور هستند و مجبور به اتکا به خدمات حمل غیر معمول می‌باشند که این امر می‌تواند منجر به تأخیر و عدم اطمینان در تحویل شود. دورافتاده بودن و هزینه‌های بالای حمل و نقل می‌تواند دارای پیامدهای جدی برای ساختار تولید این کشورها باشد. وقتی وابستگی به نهاده‌های وارداتی داشته باشند، بخصوص تنوع کشاورزی می‌تواند شکست بخورد و فعالیتهای صنعتی می‌تواند غیررقابتی باشد. یک روش اندازه‌گیری میزان هزینه‌های حمل و نقل، استفاده از نسبت هزینه بیمه و بار به ارزش واردات است. همان‌طور که در گزارش نهایی گروه مشترک ذکر شده است، ارزش متوسط این نسبت برای تمامی

1- crowding - in effect

کشورهای در حال توسعه ۱۴ درصد است، در حالی که برای جزایر کوچک و دولتهای محصور در خشکی به ۱۸ درصد برای سیشل و ترینیداد و توباگو تا ۲۶ درصد برای کریباتی می‌رسد. ط) اگر دولتهای کوچک در مقابل ضربه‌های بیرونی، آسیب‌پذیرتر باشند، در آن صورت در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بزرگ، به خاطر اندازه کوچک خود، بیشتر جریمه می‌شوند. اگر آسیب‌پذیری اقتصادی یکی از معیارهای تشخیص کشورهای کوچک باشد، آنگاه باید ضربه‌های طبیعی و ضربه‌های تجاری در نظر گرفته شود. در این صورت، هر قدر کشوری کوچکتر باشد، آسیب‌پذیرتر است.

شاخص آسیب‌پذیری پیشنهادشده توسط دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع مرکب از سه جزء تعیین‌کننده بی‌ثباتی درآمد است: فقدان تنوع صادراتی (که به وسیله شاخص تنوع صادراتی آنکتاد اندازه‌گیری می‌شود)، میزان وابستگی صادراتی (که به وسیله نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود) و تأثیر سوانح طبیعی (که با سهم کل جمعیت متأثر از سوانح طبیعی اندازه‌گیری می‌شود). شاخص نهایی با ترکیب این سه شاخص محاسبه می‌شود. پیوست شماره ۲ رتبه‌بندی ۱۱۱ کشور را طبق شاخص آسیب‌پذیری دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع نشان می‌دهد. ۲۶ کشور از ۲۸ کشور کوچک بیشترین آسیب‌پذیری را دارند. بریگوگلیو (۱۹۹۵) هم یک شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی مبتنی بر سه متغیر را پیشنهاد کرده است:

- ۱- نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی،
 - ۲- سهم هزینه‌های حمل و نقل در ارزش صادرات به عنوان تقریبی برای دورافتاده بودن و جزیره‌ای بودن،
 - ۳- سهم خسارت پولی ایجادشده به وسیله سوانح طبیعی (حوادث سیاسی مستثنی شده‌اند) در تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی از سانحه‌خیزی^۱.
- همان‌طور که در پیوست شماره ۲ دیده می‌شود، از ۱۱۴ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه، دولتهای جزیره‌ای کوچک، شاخص آسیب‌پذیری بسیار بالایی را نشان می‌دهند. در مجموع می‌توان گفت که هر اقتصاد کوچکی، منحصر به فرد است. با این حال، به طور کلی، دولتهای کوچک دارای بی‌ثباتی تولید ناخالص داخلی بالاتر، باز بودن بیشتر به روی تجارت، و ساختارهای صادراتی و تولیدی متمرکزتری هستند. [۴]

1- disaster proneness

ظ) بی ثباتی بیشتر در رشد درآمد در مقایسه با کشورهای بزرگتر.

ع) موجودی منابع طبیعی محدود منجر به درجه بالای تمرکز در محصول و بازار در صادرات اقتصادهای کوچک می شود.

غ) هزینه بالای معامله تجاری (صادرات - واردات) از جمله برآثر محصور در خشکی بودن. هر چند هیچ یک از این مشکلات منحصر به اقتصادهای کوچک نیست، ولی مجموع آنها اثری انباشتی در اقتصادهای کوچک ایجاد کرده و آنها را آسیب پذیر ساخته است، به گونه ای که می تواند باعث به حاشیه رانده شدن این اقتصادها بشود. آنچه برای سازمان جهانی تجارت دغدغه به حساب می آید، جنبه های تجاری مسائل اقتصادهای کوچک است. براین اساس، ادغام اقتصادهای کوچک در نظام تجاری چندجانبه باید با در نظر گرفتن محدودیتهای این کشورها صورت گیرد.

۳-۱) مواضع اقتصادهای کوچک در مورد مقررات مربوط به رفتار ویژه

- ۱- ترجیحات تجاری انتقالی، برای آن کشورهایی که به طور تاریخی به ترجیحات تجاری از سوی طرفهای تجاری اصلی خود وابسته اند، به منظور تقویت موضع رقابتی صادرات سنتی این اقتصادها در آن بازارها جهت تکمیل فرایند آماده سازی آنها برای درگیر شدن در تجارت رقابتی باز در اقتصاد جهانی مورد نیاز است.
- ۲- دوره های انتقالی طولانیتر برای آزادسازی تجاری و در نتیجه مهلت بیشتری برای انتقال ساختارهای تولیدی و بازاریابی و ارتقای مهارتهای انسانی به این کشورها داده شود.
- ۳- ضرورت اتخاذ اقداماتی مشخص برای بهبود امنیت غذایی در کشورهای کوچک در حال توسعه ای که واردکننده خالص مواد غذایی هستند.
- ۴- ضرورت کمک به نوسازی بخشهایی که اقتصادهای کوچک برای کسب درآمد، اشتغال و عواید ارزی بشدت به آنها متکی هستند (مانند بخش نساجی و پوشاک).
- ۵- انعطاف پذیری بیشتر در ترتیبات تجاری منطقه ای که می تواند نقش محوری در پیشرفت فرایند توسعه داشته و گام نخست به سوی ادغام این کشورها در نظام تجاری چندجانبه باشد.
- ۶- تعیین آستانه بالاتر برای کاربرد یارانه های صادراتی که منوط به اقدامات جبرانی نباشد. [۵]

۴-۱) مواضع اقتصادهای کوچک در مذاکرات کشاورزی

بخش کشاورزی در اقتصادهای کوچک آسیب‌پذیر، نقش کلیدی در تأمین امنیت غذایی، توسعه روستایی، صادرات و اشتغال دارد. بی‌ثباتی قیمت‌های بین‌المللی محصولات کشاورزی صادراتی اقتصادهای کوچک، عامل مهم آسیب‌پذیری بالای این اقتصادهاست. افزون بر آن، این اقتصادها توان رقابتی کمی دارند. برای اغلب اقتصادهای کوچک، تعرفه‌ها تنها ابزار حمایت از بخش کشاورزی است و به همین دلیل فرمول کاهش تعرفه باید از انعطاف لازم برخوردار باشد تا دغدغه‌های این اقتصادها مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر، با توجه به نقش کشاورزی در امنیت غذایی و توسعه روستایی این اقتصادها، آنان خواهان آن هستند که مقررات مربوط به محصولات ویژه و سازوکار حفاظت خاص برای بخش کشاورزی آنها در نظر گرفته شود. در این صورت، محصولات ویژه از کاهش تعرفه و همچنین تعهد به سهمیه‌های تعرفه‌ای معاف هستند. همچنین، آنها خواستار آن هستند که محصولات معینی از سازوکار حفاظت ویژه استفاده کنند. [۶]

۵-۱) مواضع اقتصادهای کوچک در مذاکرات دسترسی به بازار در حوزه غیرکشاورزی (ناما)

از آنجا که ادغام کامل اقتصادهای کوچک آسیب‌پذیر در نظام تجاری چندجانبه می‌تواند مشکلاتی برای آنها پدید آورد، این اقتصادها متقاضی موارد زیر هستند:

- ۱- پذیرش حداقل کاهش در سطح تعرفه اقتصادهای کوچک به گونه‌ای که روی نرخهای جاری تعرفه‌های کنونی آنها تأثیر نگذارد؛
- ۲- عدم تعهد به کاهش تعرفه توسط اقتصادهای کوچک در مورد محصولاتی که برای توسعه اقتصادی آنها ارزش استراتژیک دارند؛
- ۳- اجرای طولانی‌تر دوره‌ها برای اقتصادهای کوچک؛
- ۴- اقتصادهای کوچکی که درصد قابل ملاحظه‌ای پوشش تثبیت تعرفه دارند، به رسمیت شناخته شوند؛

- ۵- موانع غیرتعرفه‌ای وضع شده بر محصولات صادراتی اقتصادهای کوچک حذف شود؛
- ۶- اعطای کمک فنی هدفمند، از جمله در زمینه محدودیتهای طرف عرضه، به منظور تسهیل استفاده از امتیازات دسترسی به بازار توسط اقتصادهای کوچک. [۷]

۶-۱) مقررات سازمان جهانی تجارت در مورد اقتصادهای کوچک

بخشی از مقررات سازمان جهانی تجارت به طور بالقوه به اقتصادهای کوچک مربوط می‌شود. در سطور زیر برخی از این مقررات را ذکر می‌کنیم:

الف) گات ۱۹۴۷: در بند ۴ ماده ۳۶ مربوط به اصول و اهداف چنین ذکر شده است که با توجه به ادامه وابستگی بسیاری از طرفهای متعاقد کمتر توسعه یافته به صدور مقدار محدودی محصولات اولیه، لازم است شرایط مطلوبتری برای دسترسی محصولات آنها به بازارهای جهانی فراهم شود و در صورت لزوم اقداماتی به منظور تثبیت و بهبود شرایط بازارهای جهانی در مورد این محصولات، از جمله اقداماتی به منظور دستیابی به قیمتهای ثابت، عادلانه و سودمند، در نظر گرفته شود و بنابراین افزایش تجارت و تقاضای جهانی و رشد پویا و مداوم درآمدهای صادراتی واقعی این کشورها به گونه‌ای میسر گردد که منابع فزاینده‌ای را برای توسعه اقتصادی آنها در اختیارشان قرار دهد. [۸] همچنین در ماده ۱۸ در مورد کمک دولتی برای توسعه اقتصادی چنین ذکر شده است:

بند ۱: طرفهای متعاقد تأیید می‌کنند که نیل به اهداف موافقت‌نامه حاضر، با توسعه تدریجی اقتصادشان بویژه توسعه تدریجی طرفهای متعاقدی که اقتصادشان تنها می‌تواند در حد پایینی از استانداردهای زندگی، پاسخگو باشد و در مراحل اولیه توسعه قرار دارد، تسهیل خواهد شد.

بند ۲: طرفهای متعاقد تأیید می‌کنند که ممکن است برای یکی از طرفها ضرورت داشته باشد که برای ارتقای استاندارد کلی زندگی مردم خود، اقدامات حمایتی یا دیگر اقدامات مؤثر بر واردات را اتخاذ نمایند. از این رو، آنها توافق می‌نمایند که آن طرفهای متعاقد باید از تسهیلات اضافی بهره‌مند شوند تا بتوانند اولاً) انعطاف‌کافی در ساختار تعرفه خود جهت اعطای حمایت تعرفه‌ای برای تأسیس صنعتی خاص داشته باشند و ثانیاً) محدودیتهای مقداری را برای موازنه پرداختها به گونه‌ای اعمال کنند که ادامه سطح بالای تقاضا برای واردات که احتمال دارد بر اثر برنامه‌های توسعه اقتصادی به وجود آید به طور کامل در نظر گرفته شود. [۹]

بند ۴: طرف متعاقدی که اقتصادش تنها می‌تواند در حد پایینی از استانداردهای زندگی، پاسخگو باشد و در مراحل اولیه توسعه قرار دارد، مخیر خواهد بود که موقتاً از مقررات دیگر موافقت‌نامه حاضر عدول کند.

بند ۵: طرفهای متعاقد تأیید می‌کنند که طرفهای متعاقدی که اقتصادشان به صدور تعداد

اندکی از کالاهای اولیه وابسته است، ممکن است بر اثر سقوط قیمت چنین کالاهایی، درآمدهای صادراتی آنها شدیداً کاهش یابد. بنابراین، هنگامی که صادرات کالاهای اولیه توسط چنین طرف متعاهدی شدیداً تحت تأثیر اقدامات متخذة توسط طرف متعاهد دیگری قرار می‌گیرد، آن طرف متعاهد می‌تواند به مقررات مربوط به مشورت در ماده ۲۲ موافقت‌نامه حاضر متوسل شود. [۱۰]

ب) گات ۱۹۹۴: در تفاهم‌نامه مربوط به تفسیر ماده ۲۸ گفته شده است که اعضای گات توافق کردند که ماده ۲۸ گات ۱۹۹۴ بعداً توسط شورا مورد تجدیدنظر قرار گیرد، با این دیدگاه که تصمیم گرفته شود که آیا این معیار به نفع اعضای صادرکننده با اندازه کوچک و متوسط کار کرده است یا نه. پ) موافقت‌نامه منسوجات و پوشاک: در بند ۶ ماده ۶ موافقت‌نامه منسوجات و پوشاک گفته شده است که در اعمال اقدامات حفاظتی دوره گذار، توجه خاصی نسبت به منافع اعضای صادرکننده به شرح زیر مبذول خواهد شد:

- در مورد اعضای که حجم صادرات منسوجات و پوشاک آنها در مقایسه با صادرات سایر اعضا کم است و تنها درصد اندکی از کل واردات عضو واردکننده از چنین محصولی را به خود اختصاص می‌دهد، رفتاری متفاوت و مطلوب‌تر اتخاذ خواهد شد.

- در مورد اقلام پشمی کشورهای در حال توسعه عضوی که تولیدکننده پشم می‌باشند و اقتصاد و تجارت منسوجات و پوشاک آنها وابسته به بخش پشم است و کل صادرات منسوجات و پوشاک آنها تقریباً منحصر به کالاهای پشمی می‌شود و حجم تجارت منسوجات و پوشاک آنها در بازارهای اعضای واردکننده در مقایسه با دیگران اندک است، ملاحظات خاصی در رابطه با نیازهای صادراتی چنین اعضای به هنگام بررسی سطوح سهمیه، نرخهای رشد و انعطاف‌پذیری در نظر گرفته خواهد شد. [۱۱]

ت) موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی: در بند ۲ ماده ۲۷ در مورد رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه عضو ذکر شده است که ممنوعیت یارانه‌های ممنوع در مورد کشورهای در حال توسعه عضو مذکور در ضمیمه ۷ این موافقت‌نامه و همچنین در مورد سایر کشورهای در حال توسعه عضو برای مدت ۸ سال پس از لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی با رعایت مقررات بند ۴ این ماده اعمال نمی‌شود. [۱۲]

۲) تجارت و انتقال فناوری

از جمله اهداف بررسی رابطه تجارت و انتقال فناوری آن است که توصیه‌هایی در چارچوب

مقررات سازمان جهانی تجارت ارائه شود که جریان فناوری به کشورهای در حال توسعه را افزایش دهد. تفاوت‌های فناوری میان کشورها، یکی از عوامل تعیین‌کننده سطح درآمد کشورهاست. تحول فناوری در یک اقتصاد نه تنها به وسیله نوآوری داخلی بلکه به وسیله انتقال بین‌المللی فناوری نیز تعیین می‌شود. در کشورهای در حال توسعه که نوآوری داخلی پایین است، انتقال بین‌المللی فناوری اهمیت زیادی دارد. اغلب نوآوریهای فناورانه نتیجه فعالیت تحقیق و توسعه بنگاههاست. مخارج تحقیق و توسعه بین ۲ تا ۳ درصد تولید ناخالص داخلی هریک از کشورهای صنعتی عمده یعنی آمریکا، فرانسه، آلمان، ژاپن و بریتانیا را به خود اختصاص می‌دهد. نتیجه، نوآوری است، یعنی کالای جدید یا کیفیت بالاتر یا فن جدید تولید را معرفی کند. معمولاً عمده فعالیت‌های تحقیق و توسعه در اقتصاد جهانی در کشورهای صنعتی متمرکز شده است. توزیع جغرافیایی حق اختراعات^۱ در جهان در سال ۲۰۰۰ چنین بوده است که آمریکای شمالی (کانادا و آمریکا) ۴۳/۸٪، اتحادیه اروپا ۳۸٪، کل شرق آسیا و چین ۱۲/۶٪، کل اروپای شرقی ۱/۳٪، کل خاورمیانه ۱٪، کل آمریکای لاتین ۰/۳٪ و کل آفریقا ۰/۴٪ از کل حق اختراعاتی ثبت شده در سال ۲۰۰۰ را به ثبت رسانده‌اند. بنابراین، آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا جمعاً ۸۱/۸ درصد کل حق اختراعات را به خود اختصاص داده‌اند. دلیل آن هم هزینه‌های هنگفت تحقیق و توسعه و ایجاد نظام ملی نوآوری در آنهاست. آنها دریافته‌اند که منبع اصلی فناوری جدید در نوآوری داخلی است. در مقابل، اغلب کشورها نمی‌توانند هزینه هنگفت تحقیق و توسعه را متحمل شوند و فاقد نظام ملی نوآوری هستند و به همین جهت در آنها انتقال و انتشار فناوری به عنوان گزینه دوم مطرح می‌شود. [۱۳]

انتقال و انتشار فناوری میان کشورها از چهار طریق صورت می‌گیرد. اولین راه عبارت است از تجارت کالاها و خدمات و خصوصاً محصولات واسطه‌ای پیشرفته از نظر فناوری که در خارج از کشور اختراع شده‌اند، به طوری که با استفاده از مهندسی معکوس، از بررسی محصول به طراحی آن دست پیدا کنیم. دومین راه عبارت است از یادگیری درباره فناوری خارجی از طریق دسترسی به دانش مدون در یک طرح کلی یا از طریق ارتباط حرفه‌ای و کار کردن با متخصصان خارجی که باعث انتقال دانش غیرمدون می‌شود. بخشی از این روش به صورت یادگیری در عمل است. تعامل میان بنگاههای داخلی و خارجی نیز باعث یادگیری فناوری خارجی می‌شود. راه سوم عبارت است از انواع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. سرانجام، روش چهارم عبارت است

از تجارت مستقیم دانش فنی که از طریق خرید لیسانس فناوری یا حق اختراع یا اسرار تجاری یا حق نسخه برداری (کپی رایت) یا علامت تجاری انجام می شود. [۱۴]

انتخاب میان این روشها بر حسب شرایط هر کشور نیاز به مطالعه موردی دارد و باید بررسی نمود که برای هر فعالیت صنعتی، کدام روش انتقال فناوری بهتر است. معاملات بازاری فناوری چه از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی و چه از طریق خرید دانش فنی با مسائلی مواجه است که تجارت فناوری را پرهزینه می کند. اولین مسأله در بازار فناوری، وجود اطلاعات نامتقارن است. انتقال فناوری، مستلزم مبادله اطلاعات میان صاحبان و طالبان آن است. دارندگان فناوری، به طور کامل دانش فنی خود را آشکار نمی کنند، مگر آن که امکان انتقال آن به وسیله خریدار را از بین ببرند. از طرف دیگر، خریدار فناوری هم نمی تواند ارزش دانش فنی را قبل از خرید آن تعیین کند. در نتیجه، هزینه مبادله، زیاد می شود. دومین مسأله، قدرت بازاری صاحبان فناوری جدید یا پیشرفته است. قدرت بازاری باعث می شود که قیمت فناوری بیش از هزینه نهایی آن باشد و در نتیجه رفاه ملی خریدار فناوری را کاهش می دهد. سومین مسأله، اثرات خارجی^۱ فناوری است. دانش فنی خریداری شده توسط یک شرکت می تواند از طریق تقلید سایر شرکتها یا جابه جایی کارکنان ماهر یک شرکت به شرکت های دیگر سرایت کند. این سرایتها جبران مالی برای فروشنده فناوری ندارد. علاوه بر مسائل یادشده، در سرمایه گذاری مستقیم خارجی، غالباً سرمایه گذار خارجی انتخاب می کند که در چه رشته هایی سرمایه گذاری کند. [۱۵] مجموعه این مسائل باعث شده است که کشورهای در حال توسعه ملاحظاتی در زمینه انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی و خرید دانش فنی داشته باشند و به انتقال فناوری از طریق تجارت متمایل شوند.

۲-۱) چگونه تجارت منجر به انتقال فناوری می شود؟

دانش فناورانه موجود در یک محصول با آن مسافرت می کند و در نتیجه تجارت منجر به انتشار فناوری می شود؛ اولاً، تجارت، کالاهای واسطه ای حامل فناوری را در اختیار ما قرار می دهد تا در تولید به کار گرفته شود؛ ثانیاً، مشخصات فناورانه کالاهای نهایی و واسطه ای را برای مطالعه در اختیار ما قرار می دهد و در واقع امکان مهندسی معکوس فراهم می شود؛ ثالثاً، ارتباط با عرضه کنندگان محصول را امکانپذیر می کند. در واقع، استفاده از کالاهای واسطه ای حامل

1- externalities

فناوری پیشرفته، نوعی صرفه‌جویی در هزینه‌های تحقیق و توسعه است و باعث سرایت فناوری می‌شود. به عبارت دیگر، این فرایند یادگیری، هزینه کمتری از مخارج هنگفت تحقیق و توسعه برای خلق دانش و نوآوری دارد. البته باید توجه داشت که برای آن که تجارت منجر به انتقال فناوری از این طریق شود، محصولات واسطه‌ای وارداتی باید در فرایند تولید داخلی استفاده شود. همچنین، کارگران باید دارای سطح مهارت معینی باشند تا بتوانند از ماشین‌آلات پیشرفته استفاده کنند. به عبارت دیگر، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی فناوری بر باید با هم ترکیب شوند. از طرف دیگر، تجارت محصولات حامل فناوری پیشرفته، یک کشور را قادر می‌سازد که درباره محصول جدید یاد بگیرد و از فناوری خارجی تقلید کند و آن را برای استفاده داخلی تعدیل نماید. البته این کار نیاز به محیط کارآفرینی دارد که در آن فعالیت تقلید و نسخه‌برداری تحقق پیدا کند. انتقال فناوری در صورتی عملی می‌شود که افراد یا بنگاه‌ها دارای انگیزه سرمایه‌گذاری برای تقلید و نسخه‌برداری باشند، چون در آن صورت پس از نسخه‌برداری باید آن را تجاری کنند. علاوه بر آن، تجارت باعث یادگیری روشهای تولید، طراحی محصول، روشهای سازمانی و شرایط بازار می‌شود.

البته صرف افزایش واردات محصول حامل فناوری پیشرفته باعث انتقال بیشتر فناوری نمی‌شود، بلکه باید واردات محصول همراه با درک چگونگی تولید آن باشد. این درک باید در سراسر اقتصاد گسترش یابد، یعنی برای آن که دارای اثر رشد باشد، کافی نیست که تنها یک تولیدکننده آن فناوری را به دست آورد، بلکه باید در اقتصاد انتشار یابد. از نشانه‌های موفق بودن تجارت در انتقال فناوری آن است که واردات کالایی که متضمن این فناوری است بتدریج کاهش می‌یابد و حتی ممکن است صادرات آن آغاز شود. نتیجه این که تجارت بیشتر لزوماً منجر به انتقال فناوری نمی‌شود، مگر آن که با انتشار آن در سراسر اقتصاد، منجر به کاهش واردات آن کالا شود و حتی صادرات آن را آغاز نماید. شواهد تجربی متعددی در مورد نقش مثبت تجارت در انتقال فناوری وجود دارد. برخی از شواهد تجربی نشان داده است که فناوری محصولات وارداتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید اثر مثبت دارد. شواهد دیگر مربوط به آن است که فناوری محصول وارداتی بر میزان نوآوری در کشور اثر مثبت دارد. بخشی از شواهد، مربوط به اثر ترکیب واردات بر حسب کشور مبدأ است. واردات با منشأ کشورهای دارای فناوری بالا، چون دارای محتوای فناوری مجسم بالایی در مقایسه با واردات از کشورهای در حال توسعه است، قابلیت بالایی برای

انتقال فناوری دارد. بنابراین، ترکیب واردات یک کشور یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده در سرایت فناوری است. [۱۶]

برای موفقیت در انتقال فناوری از طریق تجارت باید ظرفیت جذب در کشور واردکننده کالا وجود داشته باشد. در غیر این صورت، انتقال فناوری عملاً امکانپذیر نیست و واردات کالا بدون انتقال فناوری صورت می‌گیرد. مقصود از ظرفیت جذب این است که یک کشور یا یک بنگاه باید سطح معینی از مهارت را داشته باشد تا بتواند به طور موفقیت‌آمیزی از فناوری خارجی اقتباس کند. وجود سطح معینی از "سرمایه انسانی" و سطح تحقیق و توسعه داخلی، از جمله عوامل تعیین‌کننده ظرفیت جذب هستند. [۱۷] هر قدر ظرفیت جذب بیشتر باشد، چگونگی استفاده از فناوری و یادگیری اصول آن آسانتر و سریعتر است. باید توجه داشت که یادگیری «اصول فناوری»^۱ مهمتر از یادگیری «چگونگی استفاده از فناوری»^۲ است. [۱۸]

۲-۲) انتقال فناوری در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت

در پنج موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت، موضوع فناوری و انتقال آن مطرح شده است:

الف) موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی

در ماده ۹ موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی درباره کمک فنی گفته شده است: اعضا موافقت می‌کنند که ارائه کمک فنی به سایر اعضا خصوصاً کشورهای در حال توسعه عضواً به صورت دوجانبه یا از طریق سازمانهای بین‌المللی مربوط تسهیل نمایند. این کمکها ممکن است در حوزه‌های فناوریهای فراوری، تحقیق و زیرساخت از جمله برای تأسیس ارکان تنظیم‌کننده ملی ارائه گردد و به شکل مشورت‌ها، اعتبارات و بخشش از جمله به منظور کسب تخصص فنی، آموزش و تجهیزات باشد که به این کشورها امکان تعدیل و رعایت اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی لازم برای دستیابی به سطح مناسب حمایت بهداشتی یا بهداشت گیاهی در بازارهای صادراتی آنها را بدهد.

در مواردی که برای یک کشور در حال توسعه صادرکننده عضو، رعایت الزامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی یک عضو واردکننده مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجهی باشد، عضو واردکننده ارائه کمک فنی در این زمینه را که به کشور در حال توسعه صادرکننده، اجازه حفظ و گسترش فرصتهای دسترسی به بازار برای محصول مربوطه را بدهد، مورد بررسی قرار خواهد داد. [۱۹]

1- know-why

2- know-how

ب) موافقت نامه موانع فنی فراراه تجارت

در مقدمه موافقت نامه موانع فنی فرا راه تجارت آمده است: «با تأیید نقشی که استاندارد بین المللی می تواند در انتقال فناوری از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه ایفا کند و با تأیید این که کشورهای در حال توسعه ممکن است در تنظیم و اجرای مقررات فنی و استانداردها و رویه های ارزیابی مطابقت با مقررات فنی و استانداردها، با دشواریهای خاصی مواجه شوند و با آرزوی کمک به آنها در تلاشی که در این خصوص به عمل می آورند، مواد موافقت نامه موانع فنی فرا راه تجارت مورد توافق قرار می گیرد».[۲۰]

همچنین در بند ۳ ماده ۱۱ موافقت نامه موانع فنی فراراه تجارت چنین ذکر شده است: «اعضا در صورت درخواست، اقدامات معقول و در دسترسی را اتخاذ خواهند کرد تا ترتیباتی برای مؤسسات مسئول تنظیم در قلمروشان در زمینه ارائه توصیه به اعضای دیگر بویژه کشورهای در حال توسعه عضو فراهم شود. اعضا همچنین طبق ترتیبات و شرایط مورد توافق طرفین به آنها کمک فنی اعطا خواهند کرد، از طریق ایجاد مؤسسات مسئول تنظیم یا مؤسساتی برای ارزیابی مطابقت با مقررات فنی و روشهایی که با استفاده از آنها مقررات فنی اعضای مزبور به بهترین وجه پاسخگو باشد».[۲۱]

پ) موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی

ماده ۸ موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی، از جمله یارانه های غیر قابل تعقیب در بند «الف» را کمک به فعالیتهای تحقیقاتی که توسط بنگاهها یا توسط مؤسسات آموزشی یا تحقیقاتی عالی براساس قرارداد با بنگاهها انجام می شود می داند، مشروط بر این که کمک بیش از ۷۵ درصد هزینه تحقیق صنعتی یا ۵۰ درصد هزینه فعالیت توسعه ای را شامل نشود و مشروط بر این که چنین کمکی منحصرأ به موارد زیر محدود گردد:

- هزینه های پرسنلی (محققان، تکنسین ها و سایر کارکنان پشتیبانی که صرفاً در خدمت فعالیت تحقیقاتی هستند)؛

- هزینه وسایل، تجهیزات، زمین و ساختمانهایی که به طور انحصاری و دایمی در فعالیت تحقیقاتی به کار برده می شوند (مگر هنگامی که بر مبنای تجاری واگذار شوند)؛

- هزینه مشاوره و خدمات مشابهی که به طور انحصاری برای فعالیت تحقیقاتی مورد استفاده قرار می گیرند، از جمله تحقیقات، دانش فنی، حق اختراع ثبت شده خریداری شده و غیره؛

- هزینه‌های بالاسری اضافی که مستقیماً در نتیجه فعالیت تحقیقاتی ایجاد می‌شوند؛
 - سایر هزینه‌های جاری (مانند هزینه مواد، تدارکات و مانند آنها) که مستقیماً در نتیجه فعالیت تحقیقاتی ایجاد می‌شوند. [۲۲] این مقررات شامل تحقیقات بنیادی (بسط علم و فن) بدون پیوند با صنعت یا تجارت نمی‌شود. تحقیق صنعتی به دنبال توسعه محصول، فرایند یا خدمات جدید یا بهبود آنهاست.

ت) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات

در ماده ۴ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات درباره افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه چنین آمده است:

- افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه عضو در تجارت جهانی از طریق تعهدات اعضا درباره موارد زیر تسهیل خواهد شد:

الف- افزایش ظرفیت خدمات داخلی این کشورها و کارایی و قدرت رقابت آنها، از جمله از طریق دستیابی به فناوری بر مبنای تجارتی؛

ب- بهبود امکانات دستیابی این کشورها به مجاری توزیع و شبکه‌های اطلاعاتی؛

ج- آزادسازی دستیابی به بازار در بخشها و شیوه‌های عرضه دارای منافع صادراتی برای آنها. - کشورهای توسعه‌یافته عضو و حتی الامکان اعضای دیگر ظرف دو سال پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت، نقاط تماسی به منظور تسهیل دسترسی عرضه‌کنندگان خدمات در کشورهای در حال توسعه عضو به اطلاعات مرتبط با بازارهای آنها در خصوص موارد زیر تشکیل خواهند داد:

الف- جنبه‌های تجاری و فنی عرضه خدمات؛

ب- ثبت، تأیید و کسب صلاحیتهای حرفه‌ای؛

ج- فراهم بودن فناوری خدمات.

بدین منظور اولویت خاصی به کشورهای عضو دارای کمترین درجه توسعه یافتگی داده خواهد شد. به علت وضعیت اقتصادی خاص کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی و نیازهای تجاری، مالی و توسعه‌ای این کشورها، توجه خاصی به مشکل جدی آنها در قبول تعهدات مبذول خواهد شد. [۲۳]

در ماده ۱۹ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات درباره مذاکرات مربوط به تعهدات خاص

آمده است: «فرایند آزادسازی با توجه مقتضی به اهداف سیاست ملی و سطح توسعه یکایک اعضا (شامل فناوری)، اعم از کلی یا بخشهایی خاص، انجام خواهد شد. برای یکایک کشورهای در حال توسعه عضو، انعطاف مقتضی وجود خواهد داشت که بخشهای کمتری را باز کنند، انواع کمتری از مبادلات را آزاد سازند، دستیابی به بازار را به موازات وضعیت توسعه خود به تدریج گسترش دهند، و به هنگام قرار دادن بازارهای خود در اختیار عرضه کنندگان خارجی خدمات، شرایطی را با هدف دستیابی به اهداف مذکور در ماده ۴ منضم سازند» [۲۴]

در ضمیمه موافقت نامه عمومی تجارت خدمات درباره ارتباطات راه دور، در قسمت مربوط به همکاری فنی، در بندهای «ج» و «د» چنین ذکر شده است:

«اعضا در همکاری با سازمانهای بین المللی مربوط، در صورت امکان، اطلاعاتی را در خصوص خدمات ارتباطات راه دور و پیشرفتهای ارتباطات راه دور و فناوری اطلاعات، به منظور کمک به تقویت بخش خدمات ارتباطات راه دور داخلی کشورهای در حال توسعه در اختیار آنها قرار خواهند داد.

«اعضا به منظور ایجاد فرصتهایی برای کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی جهت ترغیب عرضه کنندگان خارجی خدمات ارتباطات راه دور برای کمک به «انتقال فناوری» آموزش و دیگر فعالیتهای در حمایت از توسعه زیربنای ارتباطات راه دور و گسترش خدمات تجاری ارتباطات راه دور این کشورها، توجه ویژه ای مبذول خواهند داشت» [۲۵]

ث) موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری

در مقدمه موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری درباره انتقال فناوری چنین گفته شده است: با تأیید اهداف سیاستهای عمومی اصلی در نظامهای ملی برای حمایت از مالکیت فکری از جمله اهداف مربوط به فناوری و توسعه؛ همچنین با تأیید نیازهای ویژه کشورهای عضو دارای کمترین درجه توسعه یافتگی به برخورداری از حداکثر انعطاف در اجرای قوانین و مقررات به منظور قادر ساختن آنها به ایجاد یک مبنای فناورانه درست و معتبر... مواد موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری مورد توافق اعضا قرار گرفته است. [۲۶]

در ماده ۷ موافقت نامه مذکور در مورد اهداف موافقت نامه چنین ذکر شده است: «حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای این حقوق باید به توسعه «ابداعات فناورانه» و «انتقال و گسترش فناوری» و استفاده متقابل تولیدکنندگان و به کارگیرندگان دانش فنی کمک کند و

به گونه‌ای صورت گیرد که به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود». [۲۷]

همچنین، در ماده ۸ موافقت‌نامه مذکور آمده است: «اعضا در تنظیم یا اصلاح قوانین و مقررات ملی خود می‌توانند اقدامات لازم را برای حفظ بهداشت و تغذیه و همین‌طور گسترش منافع عمومی در بخشهای حایز اهمیت حیاتی برای توسعه اجتماعی - اقتصادی و «فناورانه» اتخاذ کنند، مشروط بر این که اقدامات یادشده با مقررات موافقت‌نامه حاضر انطباق داشته باشند. به منظور جلوگیری از سوء استفاده دارندگان حق مالکیت فکری از این حق و همین‌طور پرهیز از توسل به روشهایی که به گونه‌ای غیرمعقول تجارت را محدود می‌سازند یا بر «انتقال بین‌المللی فناوری» اثر منفی دارند، ممکن است اتخاذ اقدامات مقتضی، به شرط مطابقت با مقررات موافقت‌نامه حاضر، ضرورت یابد». [۲۸]

در ماده ۴۰ موافقت‌نامه درباره کنترل رویه‌های رقابتی در پروانه‌های (لیسانس‌های) قراردادی هم آمده است: «اعضا توافق دارند که برخی از رویه‌ها یا شرایط صدور پروانه راجع به حقوق مالکیت فکری که رقابت را محدود می‌سازد ممکن است بر تجارت اثر سوء داشته و «انتقال و انتشار فناوری» را مانع شود». [۲۹]

همچنین، بند ۲ ماده ۶۶ موافقت‌نامه درباره کشورهای عضو دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی می‌گوید: «کشورهای توسعه‌یافته عضو انگیزه‌هایی را برای بنگاهها و مؤسسات واقع در قلمرو خود به منظور پیشبرد و تشویق «انتقال فناوری» به کشورهای عضو دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی ایجاد خواهند کرد تا این کشورها بتوانند مبنای «فناورانه» بادوام و درستی را ایجاد کنند». [۳۰]

۳) تجارت، بدهی و تأمین مالی

در کنفرانس وزیران سازمان جهانی تجارت در سیاتل برخی از کشورها درخواست کردند که یک گروه کاری تأسیس برای بررسی رابطه میان تجارت و بدهی از یک طرف و تجارت و تأمین مالی از طرف دیگر تأسیس شود. بند ۳۶ بیانیه دوحه نیز انجام این بررسی را با ایجاد یک گروه کاری در دستورکار قرار داد. درسی که کشورهای در حال توسعه از بحرانهای مالی آموختند این بود که بی‌ثباتی مالی و بدهی خارجی بر تجارت تأثیر نامطلوب می‌گذارد و بدهی بالا می‌تواند تلاش

کشورها برای ساختن اقتصادهای قوی صادرات گرا را بی نتیجه سازد. در واقع، شوکها و بحرانهای مالی کشورهای آمریکای لاتین و شرق آسیا این دیدگاه را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تقویت کرد که بحرانهای مالی جهانی باید مدیریت شود، وگرنه فرصتهای تجاری کشورهای در حال توسعه، کاهش یافته و اثرات نامطلوبی بر سیاستهای تجاری این کشورها به جا می گذارد. در این بخش از مقاله ابتدا رابطه تجارت و تأمین مالی و سپس رابطه تجارت و بدهی را بررسی می کنیم.

۳-۱) تجارت و تأمین مالی

گسترش تجارت بین الملل به وجود یک نظام مالی بین المللی با عملکرد مناسب بستگی دارد. برای بررسی رابطه تجارت و تأمین مالی باید رابطه اجزاء مرتبط نظام مالی با تجارت را بررسی کنیم.

۳-۱-۱) تجارت و نرخ ارز

بی اطمینانی ناشی از نوسان اندک و کوتاه مدت در نرخهای ارز، ریسک و مخاطره تجاری ایجاد می کند، گو این که می توان از طریق هجینگ^۱ مالی در مقابل ریسک با آن مقابله کرد. نوسانات گسترده و تنظیم نامناسب^۲ و مداوم نرخهای ارز، علایم قیمتی نادرستی می فرستد که می تواند جریان تجارت بین الملل را بی ثبات کند و بی اطمینانی بازرگانان را افزایش دهد، چون غالباً نمی تواند در مقابل ریسک به طور مؤثر هجینگ مالی شود (یا هجینگ مالی بسیار پرهزینه است)؛ همچنین، در صورتی که تصمیمات سرمایه گذاری را تغییر دهد، به طوری که نتیجه آن انتقال منابع میان بخشهای قابل تجارت و غیر قابل تجارت در اقتصاد باشد، می تواند هزینه تعدیل و هزینه تخصیص نادرست منابع را به اقتصاد تحمیل کند. از سوی دیگر، بی ثباتی نرخ ارز می تواند کانالی برای انتقال بی ثباتی بخش مالی به بخش واقعی اقتصاد باشد. همچنین، نوسانات شدید نرخ ارز می تواند تجارت را مختل کند.

۳-۱-۲) تجارت و جریان منابع مالی

گسترش تجارت به منبع کارا، کافی و قابل اتکای تأمین مالی در درازمدت (برای سرمایه گذاری در کالاها و خدمات قابل تجارت) و کوتاه مدت (ابزارهای مالی برای تأمین مالی تجارت) بستگی دارد. با این حال، اغلب کشورهای در حال توسعه برای تأمین مالی شدیداً به منابع خارجی وابسته

هستند. هر چند اعضای سازمان جهانی تجارت برای کاهش اثرات بد بی‌ثباتی مالی، به سیاستهای تجاری محدودکننده متوسل نشده‌اند، ولی امکان اتخاذ سیاستهای تجاری محدودکننده وجود دارد. کمیابی تسهیلات کوتاه‌مدت برای تأمین مالی واردات در اوج بحران بر کشورهای بحران‌زده تأثیر زیانباری گذاشته است. به دلیل وجود یک نظام تجاری چندجانبه قوی، امکان بازگشت به حمایت‌گرایی تجاری بر اثر بحران مالی، ضعیف است و در نتیجه از اصلاحات سیاست تجاری می‌توان برای بهبود کارایی و انعطاف‌پذیری در مقابل شوکهای خارجی استفاده کرد.

سیاست تجاری نقش مهمی در واکنش به بحران مالی دارد و از طریق مجاری تجاری هم می‌توان از گسترش بحران مالی جلوگیری کرد. موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات به طور ضمنی اذعان می‌کند که هیچ استراتژی یا راهبرد آزادسازی قابل‌قبولی برای همه کشورها وجود ندارد و هر کشوری باید زمانبندی خاص خود را داشته باشد و توالی اصلاحات مالی آن در راستای مقتضیات خودش تنظیم گردد.

۳-۱-۳) تجارت و موازنه پرداختها

در واقع، گسترش تجارت به ترکیب مناسبی از مدیریت داخلی اقتصاد کلان و تأمین مالی خارجی برای جلوگیری از عدم تعادل موازنه پرداختها بستگی دارد، تا دولت‌ها مجبور نشوند سیاستهای ارزی یا تجاری محدودکننده‌ای در پیش بگیرند. رژیم تجاری که جریان سرمایه را مجاز می‌داند، می‌تواند فشارهای کوتاه‌مدت موازنه پرداختها را کاهش دهد. [۳۱] با این حال، برای جلوگیری از بحران، پذیرش سیاستهای اصلاح بخش مالی و تعهدات دسترسی به بازار نقش اساسی دارد. توافق سازمان جهانی تجارت در مورد خدمات مالی تا حدی برای اعضا آزادی عمل ایجاد می‌کند تا اقدامات خودشان را برای حمایت از سلامت این نظام انجام دهند، گو این که نباید رقابت را محدود سازند. [۳۲]

۳-۱-۴) تأمین مالی تجارت در شرایط بحران مالی

تأمین مالی کوتاه‌مدت تجارت بویژه در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، با گسترش تجارت بین‌الملل در قرن گذشته همراه بوده است. صادرکنندگانی که سرمایه در گردش محدودی دارند، قبل از فروش محصول خود به تأمین مالی نیاز دارند. واردکنندگان نیز برای خرید مواد خام و تجهیزات از خارج به تأمین مالی نیازمند هستند. کمیابی تسهیلات تأمین مالی

کوتاه مدت واردات (بویژه در گشایش اعتبارات اسنادی و تأیید پس از آن) در اوج بحران شرق آسیا به یک مسأله بغرنج تبدیل شد. مثلاً در اندونزی، بانکهای بین المللی از تأیید یا تعهد اعتبارات اسنادی گشایش یافته توسط بانکهای محلی در شرایط بحران خودداری کردند. بنابراین، کمبود تأمین مالی کوتاه مدت تجارت در بحرانهای مالی به عنوان یک مسأله جدی برای تجارت بین الملل مطرح شده است. [۳۳]

بنابراین، سازمان جهانی تجارت باید ترتیباتی فراهم کند که به دغدغه تأمین مالی کوتاه مدت تجارت طی بحرانهای مالی پاسخ دهد. از جمله زمینه های فعالیت گروه کاری تجارت، بدهی و تأمین مالی، یافتن این گونه ترتیبات است. کاهش دسترسی به تأمین مالی کوتاه مدت تجارت باعث می گردد که تجارت که معمولاً عامل اصلی بهبود موازنه پرداختهاست، نتواند در مقابله با بحران خوب عمل کند. کمبود تأمین مالی، صادرات و واردات را حتی تا نقطه توقف می کشاند. لازم است سازمان جهانی تجارت در این زمینه ضوابطی فراهم کند. [۳۴]

۵-۱-۳) نظام تجاری چند جانبه و ثبات مالی

نظام تجاری قاعده مند و غیر تبعیضی، قابلیت پیش بینی سیاست تجاری را افزایش می دهد و در نتیجه از وقوع بحران جلوگیری می کند، زیرا:

- اعضای سازمان خود را متعهد کرده اند که موانع تجاری را افزایش ندهند؛
- اصل عدم تبعیض، پیش بینی پذیری سیاستهای تجاری را افزایش می دهد؛
- قاعده مند بودن سازمان، پیش بینی پذیری را افزایش می دهد؛
- تعهد به آزادسازی فزاینده در ادوار مذاکرات، ثبات مالی را افزایش می دهد؛
- حل اختلاف در این نظام تجاری، خطر نزاع تجاری ناشی از حمایت و تلافی را کاهش می دهد و این هم قابلیت پیش بینی و ثبات مالی را افزایش می دهد؛
- بنابراین، نظام تجاری چند جانبه، ثبات مالی را افزایش می دهد. [۳۵]

۲-۳) تجارت و بدهی

بدهی خارجی روی ظرفیت کشورهای در حال توسعه برای انتفاع از نظام تجاری چند جانبه تأثیر می گذارد. از این رو، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت بر مکمل بودن کاهش بدهی و بهبود دسترسی به بازار برای کشورهای فقیر تأکید می کنند. باید توجه

داشت که سطح معقول استقراض خارجی می‌تواند افزایش‌دهنده رشد باشد، خصوصاً در کشورهایی که دارای نرخهای پس‌انداز پایین و موجودی سرمایه اندک هستند. البته وجوه قرضی باید برای سرمایه‌گذاری مولدی استفاده شود که بازدهی و رشد اقتصادی ایجاد کند و برای پوشش بازپرداخت بدهی کافی باشد. با این حال، برخی عوامل می‌توانند توانایی کشورها برای بازپرداخت بدهی یا جذب سرمایه خارجی را محدود سازند. برای بررسی رابطه تجارت و بدهی باید رابطه اجزاء مرتبط نظام تجاری با بدهی را بررسی کنیم.

۱-۲-۳) دسترسی به بازار و بدهی خارجی

محدودیت‌های دسترسی به بازار خارجی می‌تواند جلوی دستیابی کشورهای بدهکار به ارز مورد نیاز برای بازپرداخت بدهی خارجی خود را بگیرد. در آغاز دور جدید دوحه، سازمان جهانی تجارت، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی محدودیت‌های دسترسی به بازار برای کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار دادند. مطالعات آنها آشکار ساخت که در حالی که اغلب کشورهای در حال توسعه در ۳۰ سال گذشته در رشد تجارت جهانی سهیم بوده‌اند، سهم فقیرترین کشورها در تجارت جهانی، یک چهارم شده است. سهم کشورهای کمتر توسعه یافته از تجارت جهانی از ۱/۹ درصد در سال ۱۹۷۰ به حدود ۴/ درصد در سال ۲۰۰۴ کاهش یافته است. همچنین، طرف‌های تجاری اصلی این کشورهای فقیر، موانع زیادی برای دسترسی به بازار در مورد صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی کاربر این کشورها ایجاد کرده‌اند. فقیرترین کشورها عملاً شامل تمامی کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای با بدهی بالا هستند که شرایط لازم برای بخشش بدهی طبق ضوابط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را دارند. [۳۶] معکوس کردن روند حاشیه‌ای شدن این کشورها مستلزم اتخاذ استراتژی است که متضمن رشد اقتصادی، ثبات، کاهش فقر و بخشش بدهی باشد و اصلاح سیاست تجاری و بهبود دسترسی به بازار برای صادرات این کشورها، بخش مرکزی آن استراتژی را تشکیل بدهد. طبق برخی مطالعات، عوایدی که می‌تواند از حذف موانع تجاری صادرات این کشورها به دست آید، بیش از جریان سالیانه کمک‌های رسمی توسعه‌ای و بخشش بدهی است. [۳۷] عدم دسترسی به بازارها می‌تواند دلیل اصلی این باشد که کشورهای در حال توسعه ممکن است نتوانند از مزیت نسبی خود بهره‌برداری کنند. کنفرانس بین‌المللی مونتری در باره تأمین مالی برای توسعه در جمع‌بندی خود (به اصطلاح «اجماع مونتری») این موضوع را برجسته کرد که «آزادسازی معنادار تجاری عنصر مهمی در

استراتژی توسعه پایدار یک کشور است». حذف محدودیتهای تجاری در صورتی که باعث افزایش رشد داخلی، بهره‌وری و صادرات شود، می‌تواند اثر مثبتی بر بدهی خارجی و بازپرداخت بدهی داشته باشد.

۲-۲-۳) روش مالی

«روش مالی» (بودجه‌ای) کلید پیوند تجارت و بدهی است. یک جنبه از این امر، تأثیر آزادسازی تجاری بر درآمد مالی (بودجه‌ای) است. اصلاحات تعرفه‌ای با توالی خوب می‌تواند نسبت به درآمد خنثی باشد (یا در برخی موارد موفق، افزایش دهنده درآمد باشد)، به شرط آن که اصلاح مالی از یک سو شامل کاهش متوسط تعرفه‌ها با حذف معافیت‌های تعرفه‌ای و حذف تعرفه‌های حداکثر و از سوی دیگر وضع مالیات‌های داخلی (مانند مالیات بر ارزش افزوده) باشد. جنبه دیگر، اثر مالی (بودجه‌ای) بدتر شدن رابطه مبادله است که می‌تواند بر تأمین مالی بخش عمومی اثر گذارد.

بسیج پس‌اندازهای بخش خصوصی به دلیل مدیریت ضعیف اقتصاد کلان (تورم، برون‌رانی یا فرار^۱ سرمایه‌گذاری خصوصی)، وجود بانکداری ناسالم و فقدان فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، با مشکلات زیادی مواجه است. فقدان پس‌اندازهای بخش خصوصی، واسطه‌گری مالی ناکارا و برون‌رانی ناشی از کسریهای مالی، عدم قابلیت دسترسی یا هزینه بالای تأمین اعتبار برای شرکت‌های کوچک و متوسط را می‌تواند توضیح دهد. آزادسازی تجاری و سیاست‌های مالی باید نقش خود را در بسیج پس‌اندازها ایفا کنند. بازگشت به موازنه پس‌انداز-سرمایه‌گذاری مستلزم افزایش پس‌انداز داخلی است که می‌تواند یا از طریق افزایش متوسط نرخهای مالیات یا کاهش مصرف دولتی فراهم شود.

کشورهای با سطح پایین توسعه و ادغام اندک در تجارت جهانی، در بازارهای بین‌المللی سرمایه، فاقد اعتبار هستند و به همین دلیل در جذب سرمایه خصوصی شکست می‌خورند و به بدهی خارجی عمومی متکی می‌شوند. در چنین سطحی از توسعه، سطح پایین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز داخلی و تداوم ناهماهنگی میان این دو، تأمین مالی بخش عمومی از خارج برای دوره طولانی انجام می‌شود که می‌تواند بدهی خارجی زیادی برای کشور به بار آورد.

۳-۲-۳) اثر بدهی بر تجارت

سطح بالای بدهی خارجی، ظرفیت کشورهای در حال توسعه برای بهره‌برداری از فرصت‌های

دسترسی به بازار صادرات را کاهش می دهد، زیرا سرمایه گذاری جدید در ظرفیت تولیدی اقتصاد خصوصاً در بخشهای صادراتی آنها کاهش می یابد. «بدهکار بودن» مانع سرمایه گذاری جدید می شود و تعهدات مربوط به بازپرداخت بدهی هم سرمایه موجود و ارزش را جذب می کند. برای تشخیص این که چرا سطوح بالای بدهی منجر به رشد پایین تر می شود، «نظریه معلق بودن بدهی»^۱ آزمون شده است. طبق این نظریه، اگر این احتمال وجود داشته باشد که در آینده بدهی بیش از توانایی کشور برای بازپرداخت هزینه های اصل و فرع بدهی مورد انتظار در آن وقت باشد، آنگاه انگیزه های برای سرمایه گذاری جدید داخلی و خارجی باقی نمی ماند و این امر برای رشد مضر خواهد بود. سرمایه گذاران بالقوه از این بیم خواهند داشت که هر قدر آن کشور بیشتر تولید کند، برای بازپرداخت بدهی خارجی، «مالیات» بیشتری باید دریافت کند و سرمایه گذاران بالقوه کمتر خواهان تحمل هزینه های امروز به خاطر افزایش محصول در آینده خواهند بود. بر این مبنا، منحنی «لافر»^۲ برای بدهی رسم شده است که می گوید موجودی بدهی زیاد، با احتمال پایین تر بازپرداخت بدهی همراه است. البته سطح معقول بدهی، اثر مثبتی بر رشد دارد.

۴-۲-۳) اثر بدهی بر عرضه

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، خصوصاً کشورهای کم درآمد، بار سنگین بدهی، توانایی این کشورها برای توسعه کافی عرضه را کاهش می دهد. بار بدهی می تواند به چند طریق باعث کاهش ظرفیت عرضه شود: ۱- معلق بودن بدهی زیاد، سرمایه گذاری (داخلی و خارجی) را دلسرد می کند و این امر باعث کاهش تأمین مالی می گردد؛ ۲- الزامات اصل و فرع بدهی زیاد به دلیل انتقال ذخایر ارزی می تواند مسائل نقدینگی ارزی ایجاد کند و در همان زمان، سطوح بالای اصل و فرع بدهی، ظرفیت عرضه بدهکار را تضعیف می کند، زیرا منابع از سرمایه گذاری مولد منحرف می شوند. [۳۸]

۳-۳) مقررات سازمان جهانی تجارت در مورد «تجارت و تأمین مالی»

هر چند رابطه میان تجارت و تأمین مالی را می توان در بسیاری از مقررات سازمان جهانی تجارت یافت، ولی دبیرخانه سازمان جهانی تجارت نتوانسته است هیچ گونه مقرراتی از این سازمان را مشخص کند که مستقیماً با عنوان تجارت و بدهی مرتبط باشد. [۳۹] این مقررات در

1-debt overhang

2-Laffer curve

منحنی لافر که توسط آرتور لافر ارائه شد، رابطه میان نرخ مالیات و درآمد مالیاتی وصول شده را نشان می دهد. محققان اقتصادی آن را برای بدهی رسم کرده اند.

هفت زمینه است:

- مقررات مربوط به نرخ ارز
- مقررات مربوط به نرخهای چندگانه ارز
- مقررات مربوط به محدودیتهای ارزی
- مقررات مربوط به موازنه پرداختها
- مقررات مربوط به خدمات مالی
- مقررات مربوط به کمک مالی برای توسعه اقتصادی
- مقررات مربوط به موضوعات نهادی.

۱-۳-۳) مقررات مربوط به ارز

این مقررات شامل موارد زیر است:

الف) گات: در بند ۳ ماده ۲ گات ذکر شده است که هیچ طرف متعاهدی روش خود در مورد تشخیص ارزش گمرکی یا تبدیل ارز را به گونه ای تغییر نخواهد داد که به ارزش هر یک از امتیازات مقرر در جدول منضم به موافقت نامه حاضر لطمه وارد آورد. [۴۰] همچنین، در بند ۶- الف همین ماده گفته شده است که حقوق و هزینه های خاصی که در جداول مربوط به طرفهای متعاهد عضو صندوق بین المللی پول درج شده است و حاشیه های ترجیح در حقوق و هزینه های ویژه ای که این طرفهای متعاهد حفظ کرده اند، به ارز مناسبی که صندوق بین المللی پول ارزش برابری آن را پذیرفته است، اظهار می شوند. بنابراین، هرگاه این ارزش برابری طبق موافقت نامه صندوق بین المللی پول بیش از بیست درصد تقلیل یابد، این حقوق و هزینه های ویژه و همین طور حاشیه های ترجیح می تواند با توجه به چنین تقلیلی تعدیل گردد، مشروط بر این که طرفهای متعاهد موافقت کنند که چنین تعدیلاتی به ارزش امتیازات پیش بینی شده در جدول مربوطه لطمه وارد نخواهد آورد. [۴۱]

طبق بند ۴ ماده ۷ گات نیز در صورتی که برای یک طرف متعاهد ضرورت به وجود آید که قیمت اظهار شده به پول کشوری دیگر را به پول خود تبدیل کند، نرخ ارز مورد استفاده برای تبدیل، مبتنی بر ارزش برابری تعیین شده طبق موافقت نامه صندوق بین المللی پول یا نرخ ارز مورد تأیید صندوق یا مبتنی بر ارزش برابری تعیین شده طبق موافقت نامه ویژه منعقد به موجب ماده ۱۵ موافقت نامه گات خواهد بود. در قسمت «ب» همین بند گفته شده است که در مواردی که هیچ

گونه ارزش برابری تعیین نشده و نرخ ارز مورد تأییدی وجود نداشته باشد، نرخ تبدیل مورد استفاده، ارزش جاری چنین ارزی را در معاملات تجاری به طور واقعی منعکس خواهد کرد. همچنین، در قسمت «ج» بند مذکور ذکر شده است که طرفهای متعاقد با موافقت صندوق بین‌المللی پول، قواعد ناظر بر تبدیل ارز را در موردی که نرخهای چندگانه ارز طبق موافقت‌نامه صندوق بین‌المللی پول حفظ می‌گردد، تنظیم خواهند کرد. هر طرف متعاهدی می‌تواند چنین قواعدی را در مورد این ارزها، به عنوان جایگزینی برای استفاده در ارزشهای برابری، اعمال کند. تا زمانی که چنین قواعدی مورد تصویب طرفهای متعاقد قرار گیرد، هر طرف متعاهدی می‌تواند در خصوص این ارز قواعد تبدیلی را به کار بندد که ارزش این ارز در معاملات تجاری را به طور واقعی منعکس می‌سازند. [۴۲]

ب) بند ۳ ماده ۱ موافقت‌نامه بازرسی قبل از حمل ذکر می‌کند که فعالیتهای بازرسی قبل از حمل، کلیه فعالیتهای مربوط به بررسی کیفیت، کمیت، قیمت، از جمله نرخ تبدیل ارز و شرایط مالی، و/یا طبقه‌بندی گمرکی کالاهایی را که قرار است به قلمرو کشور استفاده‌کننده عضو صادر شوند، دربرمی‌گیرد. [۴۳] طبق بند ۶ ماده ۲ همین موافقت‌نامه، واحدهای بازرسی قبل از حمل، در صورت درخواست صادرکنندگان اطلاعات لازم شامل نرخ تبدیل ارز را در اختیار آنان قرار خواهند داد. [۴۴] در بند ۱۷ ماده ۲ همین موافقت‌نامه هم ذکر شده است که واحدهای بازرسی قبل از حمل در صورت درخواست صادرکنندگان، تعهد می‌نمایند که بررسی مقدماتی در مورد قیمت و نرخ تبدیل ارز، بر مبنای قرارداد صادرکننده و واردکننده، پیش‌فاکتور و در صورت اقتضا درخواست مربوط به اجازه ورود، به عمل آورند. واحدهای بازرسی قبل از حمل ملزم هستند که پس از انجام بررسی مقدماتی، نرخ تبدیل ارز را به اطلاع صادرکنندگان برسانند. [۴۵]

پ) موافقت‌نامه اجرای ماده ۶ گات ۱۹۹۴: در بند ۲-۴-۱ این موافقت‌نامه ذکر شده است که هنگامی که مقایسه طبق بند ۴ این موافقت‌نامه مستلزم تبدیل پول باشد، چنین تبدیلی باید با استفاده از نرخ ارز در تاریخ فروش صورت گیرد، مشروط بر این که وقتی فروش ارز در بازارهای سلف مستقیماً به فروش صادراتی مورد نظر مربوط باشد، نرخ ارز در سلف‌فروشی مورد استفاده قرار گیرد. از نوسانات نرخ ارز صرف نظر خواهد شد و مقامات در جریان تحقیق به صادرکنندگان فرصت خواهند داد که قیمتهای صادراتی خود را تعدیل کنند تا منعکس‌کننده تغییرات ماندگار نرخ ارز طی دوره تحقیق باشد. [۴۶]

ت) موافقت نامه اجرای ماده ۷ گات ۱۹۹۴: در ماده ۹ موافقت نامه ارزشگذاری گمرکی در مورد تبدیل ارز دو بند زیر ذکر شده است:

- ۱- در موردی که برای تعیین ارزش گمرکی، تبدیل ارز لازم باشد، نرخ مورد استفاده نرخ رسمی اعلام شده خواهد بود که در مورد دوره تحت پوشش، ارزش جاری چنین ارزی در معاملات تجاری را بر حسب ارز کشور واردکننده منعکس خواهد ساخت.
- ۲- نرخ تبدیل مورد استفاده آن نرخ ارزی خواهد بود که در زمان صدور یا ورود، مجری است. [۴۷]

۲-۳-۳) مقررات مربوط به نرخهای چندگانه ارز

الف) بند ۲ ماده ۶ (الحاقی) گات ۱۹۹۴: در برخی شرایط، «رویه های چندگانه ارزی» می تواند پرداخت یارانه برای صادرات محسوب گردد و با حقوق جبرانی مقرر در بند ۳ همین ماده مواجه شود یا می تواند نوعی قیمت شکنی از طریق کاهش جزئی ارزش پول یک کشور محسوب گردد و با اقدام مقرر در بند ۲ این ماده مواجه شود. [۴۸]

ب) بند ۱ ماده ۸ الحاقی گات ۱۹۹۴: استفاده از مالیاتها یا عوارض ارزی به عنوان راهی برای اجرای رویه های چندگانه ارزی مجاز نیست. اما اگر طرف متعاهدی به دلیل موازنه پرداختها، از عوارض چندگانه تسعیر ارز با تأیید صندوق بین المللی پول استفاده کند، مورد حمایت خواهد بود. [۴۹]

۳-۳-۳) مقررات مربوط به محدودیتهای ارزی

الف) ماده ۱۵ گات (ترتیبات تسعیر): در بند ۱ ذکر شده است که طرفهای متعاهد و صندوق بین المللی پول سیاستی هماهنگ را در خصوص مسائل ارزی (که در صلاحیت صندوق است) و محدودیتهای مقداری و دیگر اقدامات تجاری (که در صلاحیت گات است) دنبال خواهند کرد. در بند ۲ گفته شده است که در تمام مواردی که طرفهای متعاهد برای بررسی مسائل مربوط به ذخائر پولی، موازنه پرداختها یا ترتیبات ارزی فراخوانده می شوند، به طور کامل با صندوق بین المللی پول مشورت خواهند کرد. همچنین، در بند ۴ ذکر شده است که طرفهای متعاهد نه با اقدام ارزی، هدف مقررات گات را خنثی خواهند کرد و نه با اقدام تجاری، هدف مقررات موافقت نامه صندوق بین المللی پول را. [۵۰]

ب) موافقت نامه عمومی تجارت خدمات: در بند ۱ ماده ۱ مربوط به پرداختها و انتقالات ذکر

شده است که به جز در موارد مندرج در ماده ۱۲، اعضا در مورد انتقالات و پرداختهای بین‌المللی از بابت مبادلات جاری مربوط به تعهدات خاص خود، محدودیتهایی اعمال نخواهند کرد. [۵۱]

۴-۳-۳) مقررات مربوط به موازنه پرداختها

الف) گات ۱۹۹۴: در ماده ۱۲ (محدودیتهای مربوط به حفظ موازنه پرداختها) چنین آمده است:

۱- هر طرف متعهد به منظور حفظ وضعیت مالی خارجی و موازنه پرداختهای خود می‌تواند مقدار یا ارزش کالای مجاز برای ورود را بر اساس مقررات بندهای زیر این ماده محدود کند.

۲- الف) محدودیتهای وارداتی که یک طرف متعهد طبق این ماده برقرار، حفظ یا تشدید می‌کند از حد ضرورت‌های زیر تجاوز نخواهد کرد:

(۱) دفع خطر فوری یا متوقف ساختن سقوط شدید ذخایر پولی خود؛ یا

(۲) در مورد طرف متعهد دارای ذخایر پولی اندک، رسیدن به نرخ معقول افزایش ذخایر خود. [۵۲]

در بندهای ۱ و ۵ ماده ۱۴ (استثنائات قاعده عدم تبعیض) نیز به اعمال محدودیتهایی اشاره شده است که اثری معادل محدودیتهای پرداختها و انتقالات مالی بین‌المللی دارد. [۵۳]

ب) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات: در ماده ۱۲ درباره محدودیتهای مربوط به حفظ تراز یا موازنه پرداختها چنین ذکر شده است که در صورت وجود مشکلات جدی در تراز پرداختها و مشکلات مالی خارجی یا خطر بروز آنها، یک عضو می‌تواند محدودیتهایی را در مورد تجارت خدماتی که در خصوص آنها تعهدات خاصی را پذیرفته است، از جمله در مورد پرداختها یا انتقالات در مورد مبادلات مربوط به چنین تعهداتی، برقرار یا حفظ کند. تأیید می‌شود که فشارهای وارده بر تراز پرداختهای یک کشور در فرایند توسعه اقتصادی یا گذار اقتصادی، ممکن است استفاده از محدودیتهایی را به منظور حفظ سطح ذخایر مالی مناسب برای اجرای برنامه توسعه اقتصادی یا گذار اقتصادی، ضروری گرداند. [۵۴]

پ) تفاهم‌نامه مربوط به مقررات تراز پرداختها در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴: در این تفاهم‌نامه چنین ذکر شده است که یک عضو می‌تواند اقدامات مبنی بر قیمت (مانند تعرفه‌ها) را که برای مقاصد مربوط به تراز پرداختها اتخاذ می‌شود، در حدی بیش از حقوق مذکور در جدول خود اعمال کند.

۵-۳-۳) مقررات مربوط به خدمات مالی (ضمیمه مربوط به خدمات مالی)

در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، «خدمات عرضه شده در انجام وظایف دولتی» به معنای زیر است:

- ۱- فعالیتهایی که بانک مرکزی یا مقام پولی یا هر واحد عمومی دیگر طبق سیاستهای پولی یا سیاستهای مربوط به نرخ ارز انجام می‌دهند؛
- ۲- فعالیتهایی که بخشی از نظام قانونی تأمین اجتماعی یا برنامه‌های بازنشستگی عمومی را تشکیل می‌دهد؛
- ۳- فعالیتهایی که یک واحد عمومی به حساب یا با تضمین یا با استفاده از منابع مالی دولتی انجام می‌دهد. [۵۵]

۶-۳-۳) مقررات مربوط به کمک مالی برای توسعه اقتصادی

الف) گات: در بند ۶ ماده ۳۶ ذکر شده است که در کشورهای کمتر توسعه یافته، به دلیل کمبود عایدات صادراتی و سایر منابع ارزی، رابطه‌ای متقابل میان تجارت و کمک مالی برای توسعه وجود دارد. بنابراین، همکاری نزدیک و مداوم میان طرفهای متعاقد و وام‌دهندگان بین‌المللی ضرورت دارد، به گونه‌ای که وام‌دهندگان یادشده بتوانند مؤثرترین کمک را به تخفیف فشارهایی بنمایند که طرفهای متعاقد کمتر توسعه یافته به خاطر توسعه اقتصادی خود متحمل می‌شوند. [۵۶]

ب) موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی: در بند ۴ ماده ۲۷ به منظور کمک به کشورهای خاص در حال توسعه، هشت سال به آنها فرصت داده شده است که یارانه‌های صادراتی خود را قطع کنند. اگر کشور در حال توسعه عضو اعطای چنین یارانه‌هایی را برای مدت بیش از ۸ سال لازم تشخیص دهد، از کمیته یارانه تقاضای تمدید می‌کند و در صورت موافقت آن، اعطای یارانه‌های مذکور ادامه می‌یابد. [۵۷]

پ) موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت: در بند ۲ ماده ۱۲ آمده است که اعضا توجه ویژه‌ای نسبت به نیازهای خاص توسعه‌ای، «مالی» و تجاری کشورهای در حال توسعه عضو در اجرای موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت در سطح ملی مبذول خواهند داشت. در بند ۳ ماده مذکور هم آمده است که اعضا در تهیه و اعمال مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت، نیازهای خاص توسعه‌ای، «مالی» و تجاری کشورهای در حال توسعه عضو را در نظر خواهند

گرفت تا مانعی غیر ضروری فرا راه صادرات کشورهای در حال توسعه عضو به وجود نیاید. در بند ۴ ماده مذکور نیز اعضا تأیید کرده‌اند که از کشورهای در حال توسعه عضو نباید انتظار داشت که از استانداردهای بین‌المللی که مناسب نیازهای توسعه‌ای، «مالی» و تجاریشان نیستند، به عنوان مبنایی برای مقررات فنی یا استانداردها، از جمله روشهای آزمایش خود استفاده نمایند. [۵۸]

ت) موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود: در بند ۲ ماده ۱ آمده است که رویه‌های اداری مورد استفاده برای اجرای رژیمهای صدور مجوز ورود ضمن در نظر گرفتن هدفهای توسعه اقتصادی و «نیازهای مالی» و تجاری کشورهای در حال توسعه عضو، باید با مقررات مربوط در گات ۱۹۹۴ انطباق داشته باشد. [۵۹]

۷-۳-۳) مقررات مربوط به موضوعات نهادی

در اعلامیه مربوط به کمک سازمان جهانی تجارت برای دستیابی به انسجام بیشتر در سیاستگذاری اقتصادی جهانی در بندهای ۲ و ۵ چنین ذکر شده است:

- ثبات بیشتر نرخ ارز به گسترش تجارت و رشد و توسعه بادوام و اصلاح عدم توازنهای خارجی منجر می‌شود. (بند ۲)

- سازمان جهانی تجارت باید همکاری با سازمانهای بین‌المللی مسئول امور پولی و مالی را دنبال کند. (بند ۵) [۶۰]

همچنین، در اعلامیه مربوط به رابطه سازمان جهانی تجارت با صندوق بین‌المللی پول که در سند نهایی دور اروگوئه ذکر شده است، به لزوم هماهنگی و انسجام سیاستهای این دو نهاد پرداخته شده است. [۶۱]

به دنبال تصویب دومین متمم موافقت‌نامه صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۷۸، مقررات گات در مورد نرخ ارز اصلاح شد و در آن دسته از موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه که در آنها مقررات مربوط به نرخ ارز وجود دارد، نرخهای ارز بازار استفاده شده است. به عنوان مثال، در موافقت‌نامه کشاورزی (ضمیمه ۵ بند ۳)، رهنمودهایی برای محاسبه معادلهای تعرفه‌ای ارائه شده است که اعضا را ملزم می‌کند که قیمتهای خارجی را با استفاده از نرخ ارز متوسط سالیانه بازار برای همان دوره به پول داخلی تبدیل کنند. بند ۲-۴-۱ ماده ۲ موافقت‌نامه اجرای ماده ۶ گات ۱۹۹۴ اعضا را ملزم می‌کند که پولها را با استفاده از نرخ ارز در تاریخ فروش یا در شرایط خاص، طبق نرخ سلف ارز تبدیل نمایند.

در ماده ۱۱ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، حقوق و تعهدات عضو مستقیماً به حقوق و تعهدات صندوق بین‌المللی پول از جمله اقدامات ارزی منطبق با موافقت‌نامه صندوق بین‌المللی پول مرتبط شده است. موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات اعضا را از به کار بردن محدودیتها در پرداختها و انتقالات بین‌المللی برای مبادلات پولی مرتبط با تعهدات خاص و محدودیتهای مبادلات سرمایه‌ای مغایر با تعهدات خاص آنها منع می‌کند. در مورد محدودیتهای حساب سرمایه طبق تقاضای صندوق بین‌المللی پول، در ایفای تعهدات سیاست تجاری در صورت مواجه شدن با مشکلات مالی خارجی و مشکل جدی موازنه پرداختها در گات، موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری و موافقت‌نامه تدارکات دولتی، مقررات به اعضا انعطاف‌پذیری می‌دهد. گات در ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات در ماده ۱۲ به اعضا اجازه می‌دهد که با شرایط خاصی، محدودیتهای تجاری برای حفاظت از موضع مالی خارجی و موازنه پرداختهای خود وضع کنند. در مورد موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، وضع محدودیتهایی برای پرداختها یا انتقالات برای معاملات مربوط به تعهدات خاص اعضا مشروط به سازگاری با موافقت‌نامه صندوق بین‌المللی پول اجازه داده شده است. در ماده ۱۵ گات، نقش صندوق بین‌المللی پول در رابطه با استفاده اعضا از مقررات موازنه پرداختها و تجارت خدمات مالی، یک زمینه مهم برای تعامل میان سیاستهای تجاری و سیاستهای مالی است. ضمیمه موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات در مورد خدمات مالی شامل مقرراتی است که تضمین می‌کند یک عضو مانع اتخاذ تدابیر مؤثر بر تجارت خدمات برای «دلایل احتیاطی» یا تضمین انسجام و ثبات نظام مالی نمی‌شود.

کارکرد نظام مالی بین‌المللی و خصوصاً کارکرد نظام نرخ ارز در گات در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ با عنوان همکاری نهادی با صندوق بین‌المللی پول مورد بحث قرار گرفت. در سال ۱۹۸۴ طرفهای متعاقد گات از صندوق بین‌المللی پول خواستند که دغدغه آنها درباره رابطه میان بی‌ثباتی ارز و تجارت بین‌الملل را در نظر بگیرد. در اعلامیه پونتا دل استه که با آن مذاکرات دور اروگوئه آغاز شد، چند بار به رابطه میان تجارت و تأمین مالی اشاره شد: «با توجه به اثرات منفی بی‌ثباتی طولانی پولی و مالی در اقتصاد جهانی و بدهکاری تعداد زیادی از طرفهای متعاقد کمتر توسعه‌یافته و با در نظر گرفتن پیوند میان تجارت، پول، تأمین مالی و توسعه...». در این اعلامیه دو مورد از اهداف مذاکرات دور اروگوئه چنین ذکر شده است:

- ۱- افزایش پاسخگویی نظام گات به محیط اقتصادی بین‌المللی در حال تحول از طریق ... بهبود محیط تجاری برای توانایی کشورهای بدهکار به منظور ایفای تعهدات خود؛
- ۲- تقویت رابطه متقابل میان سیاستهای تجاری و سایر سیاستهای اقتصادی مؤثر بر رشد و توسعه و تداوم تلاش برای بهبود کارکرد نظام پولی بین‌المللی و جریان منابع مالی و سرمایه‌گذاری واقعی در کشورهای در حال توسعه.

در پایان دور اروگوئه، وزرا پذیرفتند که اعلامیه‌ای در مورد نقش سازمان جهانی تجارت در دستیابی به انسجام بیشتر در سیاستگذاری اقتصادی جهانی از طریق افزایش همکاری با صندوق بین‌المللی پول صادر کنند که از آن زمان به عنوان مبنایی برای دبیرخانه سازمان جهانی تجارت در انسجام و هماهنگی با صندوق بین‌المللی پول عمل می‌کند. مدیر کل سازمان هر ساله گزارشی به شورای عمومی در مورد سازگاری با صندوق بین‌المللی پول ارائه می‌کند.

۴) نتیجه‌گیری

سه موضوع مورد بحث در این مقاله، جدیدترین حوزه‌های تعامل تجارت با موضوعات اقتصادی، فنی و مالی را مورد توجه قرار می‌دهد. این موضوعات قلمرو نظام تجاری چندجانبه را توسعه داده و وابستگی متقابل موضوعات تجاری و غیرتجاری را در مقررات سازمان جهانی تجارت منضبط می‌نماید. پیام مهم موضوعات جدید برای کشورهای غیر عضو سازمان جهانی تجارت آن است که در آینده باید تعهدات بیشتری بپذیرند و با نظام تجاری پیچیده‌تری مواجه خواهند بود که طبق نظر اعضای کنونی در حال تکوین است، اما اگر به عضویت این سازمان درآیند می‌توانند در شکل دادن به ضوابط مربوط به موضوعات جدید سهمیم باشند

یادداشتها

- ۱- سه موضوع جدیدی که در بیانیه دور دوحه در دستور کار بررسیهای سازمان جهانی تجارت قرار گرفته عبارتند از: اقتصادهای کوچک (بند ۳۵)؛ تجارت، بدهی و تأمین مالی (بند ۳۶)؛ و تجارت و انتقال فناوری (بند ۳۷). در بند ۳۵ توافق شده است که یک گروه کاری زیر نظر شورای عمومی برای بررسی مسائل تجاری اقتصادهای کوچک تشکیل شود. هدف از این کار، شکل دادن به واکنشها به موضوعات تجاری مشخص شده برای ادغام کاملتر اقتصادهای کوچک آسیب‌پذیر

در نظام تجاری چندجانبه است نه این که اعضای سازمان جهانی تجارت گروه‌بندی شوند. در بند ۳۶ توافق شده است که زیر نظر شورای عمومی رابطه میان تجارت و بدهی از یک طرف و تجارت و تأمین مالی از طرف دیگر بررسی شود تا ظرفیت نظام تجاری چندجانبه برای مشارکت در حل مساله بدهکاری خارجی کشورهای در حال توسعه افزایش یابد و هماهنگی سیاستهای مالی و تجاری بین‌المللی تقویت شود تا نظام تجاری چندجانبه از اثرات بی‌ثباتی مالی و پولی در امان بماند. در بند ۳۷ توافق شده است که یک گروه کاری زیر نظر شورای عمومی به بررسی رابطه میان تجارت و انتقال فناوری بپردازد و توصیه‌هایی ارائه شود که طی آن جریان فناوری به کشورهای در حال توسعه افزایش یابد. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. به: WTO 2001.

2- WTO 2002d, p. 2.

3- WTO 2002h, p. 2.

4- WTO 2002d, p. 13.

5- WTO 1999, p. 2.

6- WTO 2005, p. 4-5.

7- Ibid., p. 6-7.

۸- امیدبخش و طارم‌سری ۱۳۷۲، ص ۲۹۱.

۹- همان، ص ۲۴۷.

۱۰- همان، ص ۲۴۸.

۱۱- دبیرخانه گات ۱۳۷۳، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۱۲- همان، ص ۴۴۴.

13- WTO 2002g, p. 2-7.

14- WTO 2002l, p. 2-4; WTO 2003b, p. 3-5; and Saggi 2002, p. 351-358.

15- Hoekman, Maskus and Saggi 2004, p. 4.

16- WTO 2002g, p. 8-14.

۱۷- عوامل دیگری که تعیین‌کننده ظرفیت جذب یک کشور هستند عبارتند از:

- تعامل موفق تحقیقات پایه و تحقیق و توسعه کاربردی و به عبارت دیگر، کاربرد نتایج

تحقیقات پایه در کاربردهای خاص و توسعه محصولات جدید؛

- سطح و ماهیت نظام آموزشی عالی فنی درگیر با صنعت و وجود سازوکار ارتقای آن؛
- فاصله میان سطح پیشرفت فناوری مورد استفاده در بازار داخلی و سطح فناوری وارد شده از طریق تجارت یا سرمایه‌گذاری خارجی یا...؛
- محیط کارآفرینی در داخل کشور که مربوط به ظرفیت مدیران بنگاههای محلی برای انجام سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و تواناییهای سازمانی و مدیریتی آنهاست؛
- سایر شرایط مساعد کشور میزبان مانند رژیم مالکیت فکری آن کشور؛
- همکاری بین‌المللی برای استفاده آزمایشگاهی و آموزش حرفه‌ای دانشمندان.

18- WTO 2002i, p. 3-4 and 12.

۱۹- دبیرخانه گات ۱۳۷۳، ص ۱۰۲.

۲۰- همان، ص ۲۱۱.

۲۱- همان، ص ۲۳۰.

۲۲- همان، ص ۴۰۹-۴۰۷.

۲۳- همان، ص ۴۹۱-۴۹۰.

۲۴- همان، ص ۵۱۰-۵۰۹.

۲۵- همان، ص ۵۳۷.

۲۶- همان، ص ۵۴۱-۵۴۰.

۲۷- همان، ص ۵۴۵.

۲۸- همان، ص ۵۴۶.

۲۹- همان، ص ۵۶۹.

۳۰- همان، ص ۵۸۹.

۳۱- آزادسازی تجارت خدمات مالی و آزادسازی حساب سرمایه دو موضوع متمایز هستند، اما ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند.

32- Auboin 2004, p. 3-5 and WTO 2002c, p. 1-3.

33- Auboin and Meier-Ewert 2003, p. 1-12.

34- Ibid., p. 15.

35- Fingerand and Schuknecht 1999, p. 53.

۳۶- طبق فهرست بانک جهانی، کشورهای فقیر شدیداً بدهکار عبارتند از: آنگولا، بنین، بولیوی، بورکینافاسو، کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کومور، کنگو، ساحل عاج، گامبیا، غنا، اتیوپی، گینه، گینه بیسائو، گویان، هندوراس، کنیا، لائوس، لیبریا، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، موریتانی، موزامبیک، میانمار، نیکاراگوئه، نیجر، رواندا، سائوتومه و پرنسیپ، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، تانزانیا، توگو، اوگاندا، ویتام، یمن و زامبیا. ر. ک. به:

WTO 2002b, p. 11.

37- Auboin 2004, p. 6.

38- Ibid., p. 13-20 and WTO2002b, p. 1-10.

39- WTO 2002k, p. 2.

۴۰- امیدبخش و طارم سری ۱۳۷۲، ص ۲۰۶.

۴۱- همان، ص ۲۰۸-۲۰۷.

۴۲- همان، ص ۲۲۱.

۴۳- دبیرخانه گات ۱۳۷۳، ص ۳۴۶.

۴۴- همان، ص ۳۴۹-۳۴۸.

۴۵- همان، ص ۳۵۳-۳۵۲.

۴۶- همان، ص ۲۵۷.

۴۷- همان، ص ۳۰۶.

۴۸- امیدبخش و طارم سری ۱۳۷۲، ص ۳۱۲.

۴۹- همان، ص ۳۱۴.

۵۰- دبیرخانه گات ۱۳۷۳، ص ۲۴۰.

۵۱- همان، ص ۵۰۰.

۵۲- همان، ص ۲۳۴-۲۲۹.

۵۳- امیدبخش و طارم سری ۱۳۷۲، ص ۲۳۹-۲۳۸.

۵۴- دبیرخانه گات ۱۳۷۳، ص ۵۰۲-۵۰۰.

۵۵- همان، ص ۵۲۵-۵۲۴.

۵۶- امیدبخش و طارم سری ۱۳۷۲، ص ۲۹۱.

۵۷- دبیرخانه گات ۱۳۷۳، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۵۸- همان، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۵۹- همان، ص ۳۸۲.

۶۰- همان، ص ۶۵۱-۶۵۳.

۶۱- همان، ص ۶۵۹.

پیوست ۱: مشخصات کشورهای کوچک با کمتر از پنج میلیون نفر جمعیت

کشور	جمعیت (هزار نفر) (۲۰۰۰)	درآمد سرانه دلار (آمریکا) (۲۰۰۰)	محصول در خشکی	جزیره ای	کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی
آلبانی	۳۴۰۰	۱۱۲۰			
ساموآی آمریکا	۶۵	بله	
آندورا	۶۷	
آنتیگوآ و باربودا	۶۸	۹۴۴۰	بله	بله	
ارمنستان	۳۸۰۰	۵۲۰	بله		
آروبا (هلند)	۱۰۱	بله	
جزایر باهاما	۳۰۳	۱۴۹۶۰		بله	
بحرین	۶۹۱	بله	
باربادوس	۲۶۷	۹۲۵۰		بله	
بلیز	۲۴۰	۳۱۱۰			
جزایر برمودا (انگلستان)	۶۳	بله	
بوتان	۸۰۵	۵۹۰	بله		بله
بوسنی و هرزگوین	۴۰۰۰	۱۲۳۰			
بوتسوانا	۹۰۰	۳۳۰۰	بله		

کشور	جمعیت (هزار نفر) (۲۰۰۰)	درآمد سرانه دلار (آمریکا) (۲۰۰۰)	محصول در خشکی	جزیره‌ای	کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی
برونئی	۳۳۸	..			
کاپورد	۴۴۱	۱۳۳۰		بله	بله
جزایر کایمن (انگلستان)	۳۵	..		بله	
آفریقای مرکزی	۳۷۰۰	۲۸۰	بله		بله
جزایر کانال (انگلستان)	۱۴۹	..			
جزایر کومور	۵۵۸	۳۸۰		بله	بله
جمهوری کنگو	۳۰۰۰	۵۷۰			
کاستاریکا	۳۸۰۰	۳۸۱۰			
کرواسی	۴۴۰۰	۴۶۲۰			
قبرس	۷۵۷	۱۳۳۷۰		بله	
جیبوتی	۶۳۲	۸۸۰			بله
دومینیکا	۷۳	بله	
گینه استوایی	۴۵۷	۸۰۰			بله
اریتره	۴۱۰۰	۱۷۰			بله
استونی	۱۴۰۰	۳۵۸۰			
جزایر فارو (دانمارک)	۴۵			..	
فیجی	۸۱۲	۱۸۲۰		بله	
پولینزی فرانسه	۲۳۵	۱۷۲۹۰			
گابون	۱۲۰۰	۳۱۹۰			
گامبیا	۱۳۰۰	۳۴۰			بله
گروئنلند	۵۶			..	
گرانادا	۹۸	۳۷۷۰		بله	

کشور	جمعیت (هزار نفر) (۲۰۰۰)	درآمد سرانه دلار (آمریکا) (۲۰۰۰)	محصول در خشکی	جزیره‌ای	کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی
گوآم (آمریکا)	۱۵۵		..	بله	
گینه‌بیسائو	۱۲۰۰	۱۸۰			بله
گویان	۷۶۱	۸۶۰			
ایسلند	۲۸۱	۳۰۳۹۰			
ایرلند	۳۸۰۰	۲۲۹۶۰			
جزیره‌های (انگلستان)	۷۵			..	
جامائیکا	۲۶۰۰	۲۶۱۰		بله	
اردن	۴۹۰۰	۱۷۱۰			
کریباتی	۹۱	۹۵۰		بله	بله
کویت	۲۰۰۰	۱۸۰۳۰			
قرقیزستان	۴۹۰۰	۲۷۰	بله		
لتونی	۲۴۰۰	۲۹۲۰			
لبنان	۴۳۰۰	۴۰۱۰			
لسوتو	۲۰۰۰	۵۸۰	بله		بله
لیبریا	۳۱۰۰			..	بله
لیختن‌اشتاین	۳۲			..	
لیتوانی	۳۷۰۰	۲۹۳۰			
لوکزامبورگ	۴۳۸	۴۲۰۶۰			
ماکائو (چین)	۴۳۸	۱۴۵۸۰			
مقدونیه	۲۰۰۰	۱۸۲۰	بله		
جزایر مالدیو	۲۷۶	۱۹۶۰		بله	بله
مالت	۳۹۰	۹۱۲۰		بله	

کشور	جمعیت (هزار نفر) (۲۰۰۰)	درآمد سرانه دلار (آمریکا) (۲۰۰۰)	محصول در خشکی	جزیره ای	کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی
جزایر مارشال	۵۲	۱۹۷۰		بله	
موریتانی	۲۷۰۰	۳۷۰			بله
موریس	۱۲۰۰	۳۷۵۰		بله	
مایوت (فرانسه)	۱۴۵			..	
میکرونزی	۱۱۸	۲۱۱۰		بله	
مولداوی	۴۳۰۰	۴۰۰			
موناکو	۳۲			..	
مغولستان	۲۴۰۰	۳۹۰	بله		
نامیبیا	۱۸۰۰	۲۰۳۰			
جزایر آنتیل هلند	۲۱۵		..	بله	
کالدونیای جدید (فرانسه)	۲۱۳	۱۵۰۶۰			
زلاندنو	۳۸۰۰	۱۲۹۹۰			
جزایر ماریان شمالی (آمریکا)	۷۲		..	بله	
نروژ	۴۵۰۰	۳۴۵۳۰			
عمان	۲۴۰۰			..	
پالائو	۱۹		..	بله	
پاناما	۲۹۰۰	۳۲۶۰			
پورتوریکو (آمریکا)	۳۹۰۰		..	بله	
قطر	۵۸۵			..	
ساموآ	۱۷۰	۱۴۵۰		بله	بله
سانمارینو	۲۷			..	
سائوتومه و پرنسیپ	۱۴۸	۲۹۰		بله	بله

کشور	جمعیت (هزار نفر) (۲۰۰۰)	درآمد سرانه دلار (آمریکا) (۲۰۰۰)	محصول در خشکی	جزیره‌ای	کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی
جزایر سیشل	۸۱	۷۰۵۰		بله	
سنگاپور	۴۰۰۰	۲۴۷۴۰			
اسلوونی	۲۰۰۰	۱۰۰۵۰			
جزایر سلیمان	۴۴۷	۶۲۰		بله	بله
سنتکیتسو نویس	۴۱	۶۵۷۰		بله	
سنتلوسیا	۱۵۶	۴۱۲۰		بله	
سنت وینسنت و گرنادین	۱۱۵	۲۷۲۰		بله	
سورینام	۴۱۷	۱۸۹۰			
سوازیلند	۱۰۰۰	۱۳۹۰	بله		
توگو	۴۵۰۰	۲۹۰			بله
تونگا	۱۰۰	۱۶۶۰		بله	
ترینیداد و توباگو	۱۳۰۰	۴۹۳۰		بله	
امارات متحده عربی	۲۹۰۰			..	
اروگوئه	۳۳۰۰	۶۰۰۰			
وانواتو	۱۹۷	۱۱۵۰		بله	بله
جزایر ویرجین (انگلستان و آمریکا)	۱۲۱			..	
کرانه‌باختری و نوار غزه (فلسطین)	۳۰۰۰	۱۶۶۰			

Source: World Bank 2002 and World Bank Atlas.

.. = فقدان اطلاعات

طبق گزارش شاخصهای توسعه جهانی ۲۰۰۲، جمعیت کشورهای زیر اخیراً به ۵ میلیون نفر یا بیشتر رسیده است: نیکاراگوئه، پاپوا گینه‌نو، سیرالئون و ترکمنستان.

پیوست ۲: گروه بندی کشورها طبق شاخص آسیب پذیری دبیرخانه کشورهای مشترک المنافع

آسیب پذیری پایین	آسیب پذیری متوسط	آسیب پذیری متوسط بالا	آسیب پذیری زیاد
الجزایر	بولیوی	آنگولا	*آنتیگوا و بابودا
آرژانتین	کامرون	بحرین*	باهاما*
بنگلادش	جمهوری دکرانیک کنگو	باربادوس*	بلیز*
برزیل	کاستاریکا		بوتان*
شیلی	ساحل عاج	بوتسوانا*	کپ ورد*
چین	قبرس*	بورکینافاسو	کومور*
کلمبیا	دومینیکن	بوروندی	جیبوتی*
مصر	اکوادور	آفریقای مرکزی	دومینیکا*
گواتمالا	السالوادور	چاد	گینه استوایی*
هند	اتیوپی	کنگو	فیجی*
اندونزی	غنا	گابون*	گامبیا*
ایران	گینه	هائیتی	گرانادا*
لیبی	اردن	هندوراس	گویان*
مالزی	کنیا	جامائیکا	کریباتی*

آسیب پذیری پایین	آسیب پذیری متوسط	آسیب پذیری متوسط بالا	آسیب پذیری زیاد
مکزیک	ماداگاسکار	مالاوی	لسوتو
مراکش	نپال	مالی	مالدیو*
میانمار	عمان	مالت*	موریتانی
نیجریه	پاناما	موریس*	ساموآ*
پاکستان	پاراگوئه	موزامبیک	سائوتومه و پرنسیپ*
پرو	سنگال	نامیبیا	سیشل*
فیلیپین	سريلانکا	نیکاراگوئه	جزایر سلیمان*
سنگاپور	سودان	نیجر	سنت کیتس و نویس*
آفریقای جنوبی	ترینیداد و توباگو*	پاپوا گینه نو	سنت لوسیا*
سوریه	تونس	رواندا	سنت وینسنت و گرنادین*
تایلند	اوگاندا	سیرالئون	سورینام*
ترکیه	یمن	تانزانیا	سوازیلند*
اروگوئه	زیمبابوه	توگو	تونگا*
ونزوئلا		زامبیا	وانواتو*

Source: Commonwealth Secretariat and World Bank 2000, p. 22, table 6.

* = کشور کوچک

منابع

امیدبخش، اسفندیار و مسعود طارم‌سری (۱۳۷۲) آشنایی با موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و بررسی تبعات الحاق ایران به آن. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

دبیرخانه گات (۱۳۷۳) سند نهایی دور اروگوئه گات. ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

Auboin, Marc (2004) "The Trade, Debt and Finance Nexus: At the Cross-Road of Micro and Macroeconomics". WTO Discussion Paper No. 6.

Auboin, Marc and Moritz Meier-Ewert (2003) "Improving the Availability of Trade Finance during Financial Crises". WTO Discussion Paper.

Commonwealth Secretariat and World Bank (2000) Small States: Meeting Challenges in the Global Economy. Report of the Commonwealth Secretariat-World Bank Joint Task Force on Small States. London: Commonwealth Secretariat; Washington D.C.: The World Bank.

Fingerand, K. Michael and Ludger Schuknecht (1999) "Trade, Finance and Financial Crises". WTO Special Studies No. 3.

GATT (1986) "The Text of the General Agreement on Tariffs and Trade". Geneva.

Hoekman, Bernard M., Keith E. Maskus and Kamal Saggi (2004) "Transfer of Technology to Developing Countries: Unilateral and Multilateral Policy Options". Institute of Behavioral Science Working Paper. University of Colorado.

Saggi, Kamal (2002) "International Technology Transfer and Economic Development". Development, Trade and the WTO. Ed. Bernard Hoekman, Aaditya Mattoo and Philip English. Washington D.C.: The World Bank.

World Bank (2002) World Development Indicators. Washington D.C.: The World Bank.

WTO (1995) The Results of the Uruguay Round of Multilateral Trade Negotiations. Geneva: WTO Publications.

WTO (1999) "Concerns of Small Economies about Their External Trade and Development Proposal for Immediate Decision at Seattle".

WT/GC/W/373.

WTO (2001) "Doha Ministerial Declaration". WT/MIN (01) DEC/1.

WTO (2002a) "Provisions Relating to Transfer of Technology in WTO Agreements". WT/WGTTT/3/Rev. 1.

WTO (2002b) "The Relation between Trade and Debt: A Review of Selected Literature". WT/WGTDF/W/9.

WTO (2002c) "The Relationship between Trade and Finance". WT/WGDF/W/4.

WTO (2002d) "Small Economies: A Literature Review". WT/COMTD/SE/W/4.

WTO (2002e) "A Taxonomy on Country Experience on International Technology Transfer". WT/WGTTT/W/3.

WTO (2002f) "Trade and Transfer of Technology". WT/WGTTT/W/1.

WTO (2002g) "Trade and Transfer of Technology".

WTO (2002h) WT/COMTD/SE/W/Rev. 1.

WTO (2002i) WT/GTTT/W/3.

WTO (2002j) "WTO Provisions Potentially of Particular Interest to Small Economies". WT/COMTD/SE/W/6.

WTO (2002k) "WTO Provisions Relevant to the Relationship between Trade, Finance and Debt". WT/WGTDF/W/3.

WTO (2002l) WT/WGTTT/1.

WTO (2003a) "Reflection Paper on Transfer of Technology to Developing and Least-Developed Countries". WT/WGTTT/W/5.

WTO (2003b) WT/GTTT/W/5.

WTO (2005) WT/COMTD/SE/W/14.